بسمه تعالی

نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع مختلف دستگاه های پی سی آر (PCR)

نوشته نادر حسن زاده

متن اولیه به تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۹۴ برابر با نوزدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ تهیه و مقداری از آن در سایت خبری بینانیوز به مناسبت شب های لیالی انتشار یافت (۵ آبان ۱۳۹۴ فایل ۱۹۰).

بتدریج مطالب جدیدتری به آن افزوده شد تا به شکل فعلی درآمد. هنوز هم این بحث چون هر بحث علمی دیگر که بخواهد در عرصه دین و دینداری نوین مطرح بشود نیازمند تحقیق و پردازش بیشتری است.

شک نکنیم دین حق، دین علم است، دین معرفت است، دین هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون است- بگو آیا دانایان با نادانان مساوی اند؟ ادیان آسمانی انرژی خود را از علم می گیرند. در مورد اسلام، این دین از هر لحاظ اکمل و اتمم است.

کار من در این سالها بخصوص سال ۱۳۹۴ انطباق مباحث دینی با مطالب علمی بود. بمانند توالیهای بازی یا اسیدهای آمینه این دو با یافته های امروز دنیا همانند سازی و همسان سازی شد. در همه موارد نتایج بی نظیر و اسلام سربلند است.

کمی همت می خواهد تا با مفاهیم جدید بیشتر آشنا شد، با زبان علم بیشتر صحبت کرد. برای ایمان معیار داد و به هر کس نگفت مومن.

از خدا باید ممنون بود که قرآن را توسط پیامبر (ص) به بشریت نازل فرمود. کتاب: هدایت، کفایت، معرفت، مغفرت، مرحمت، ...

تاریخ نشر نهائی۱۳۹۵/۳/۱۵. تاریخ یازدهمین نسخه بازبینی ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

hasanzadehr@yahoo.com

اول صبح وقت نماز خواندن است

شکر خدا وقت ناهار خوردن است

نیمه شب وقت به خواب رفتن است

وقت سحر وقت دعا خواندن است



شکل ۱. دستگاه معمولی پی سی آر (PCR) جهت تکثیر و شناسائی ژنها

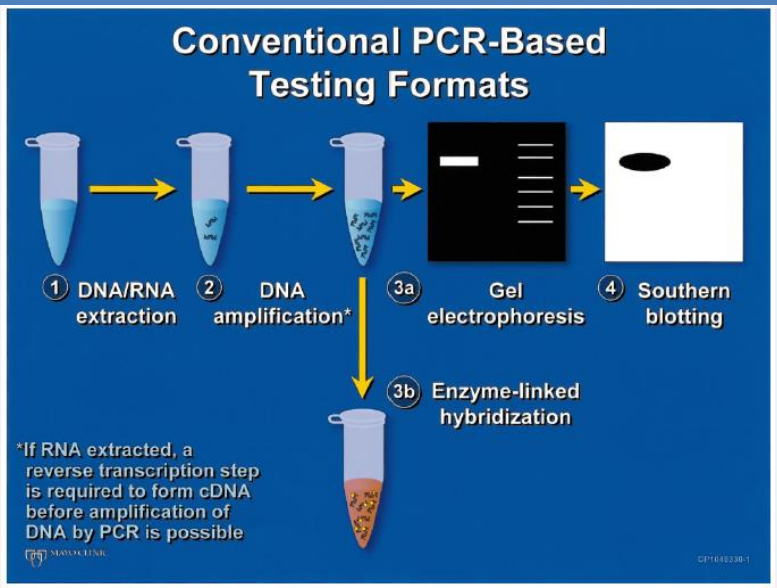

شکل ۲. شمای کلی کار با دستگاه پی سی آر معمولی: شامل مراحل تکثیر ژن مورد نظر، الکتروفورز محصول پی سی آر و رنگ آمیزی ژل.

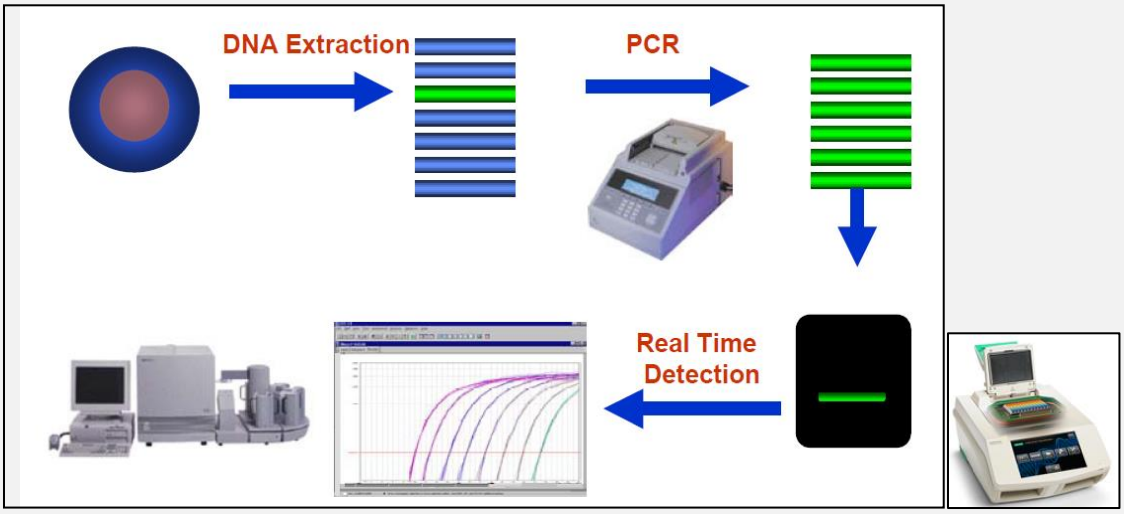

شکل ۳. شمای کلی کار با دستگاه پی سی آر ریل تایم (Real time PCR): با این دستگاه پیشرفته دیگر نیاز به انجام الکتروفورز و رنگ آمیزی ژل نیست و تکثیر ژن مورد نظر طی یک مرحله و به صورت لحظه به لحظه قابل رویت و اندازه گیری است و در هر دوره (سیکل)، کاربر می تواند پروسه تکثیر را بررسی کند.

Specific binding probes using two dyes: fluorescent reporter dye and quencher dye	**Non-specific fluorescence detection using a single DNA binding dyes such as SYBR® Green**
در این روش بخاطر استفاده از پروب، رنگ به طور اختصاصی به محصول (توالی هدف) متصل می شود.	در این روش احتمال اتصال رنگ به محصول یا توالی تولید شده غیراختصاصی (ناخواسته) وجود دارد.

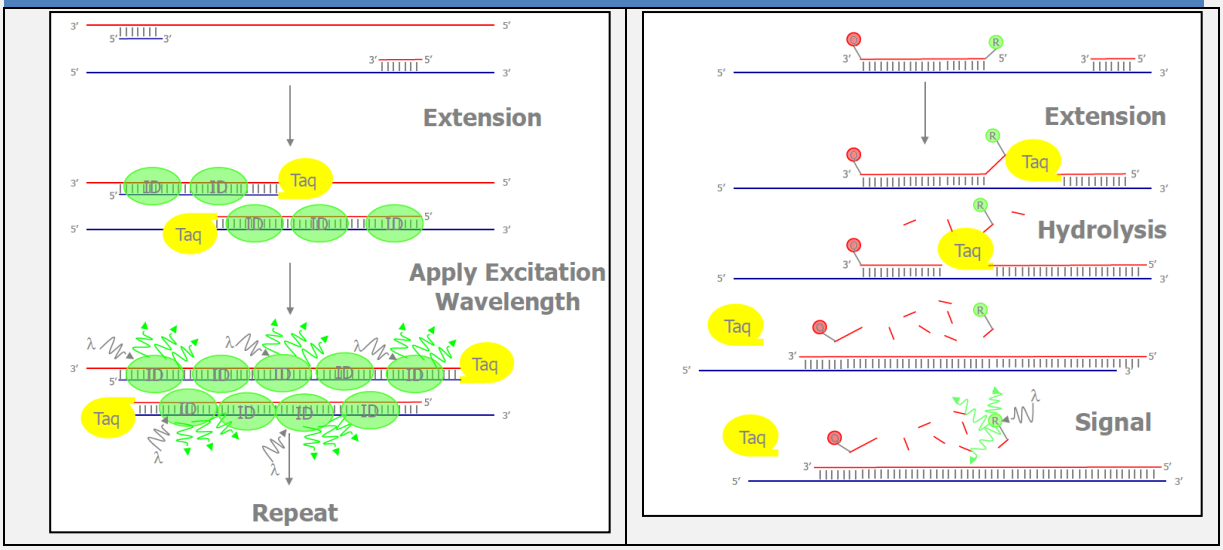

شکل ۴. دو روش مرسوم در بکارگیری تکنولژی جدید پی سی آر ریل تایم (Real time PCR).



- **So, right now we're at cycle 25 in a soup with 1,000,000 copies of the target.**
- **What's it going to be like after the next cycle, in cycle 26?**
- **Probably there will be 2,000,000 amplicons.**
- **And cycle 27?**
- **Maybe 4,000,000 amplicons.**
- **And at cycle 200?**
- **In theory, there would be 1,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000,000 amplicons… Or 10^35 tonnes of DNA…**
- **To put this in perspective, that would be equivalent to the weight of ten billion planets the size of Earth!!!!**
- A clump of DNA the size of ten billion planets won't quite fit in our PCR tube anymore.
- Realistically, at the chain reaction progresses, it gets exponentially harder to find primers, and nucleotides. And the polymerase is wearing out.
- So exponential growth does not go on forever!

شکل ۵. تکثیری که از یک ژن در یک آنالیز ریل تایم پی سی آر (Real time PCR) متصور است بی نهایت است و در وزن و اندازه ده ها سیاره ائی چون زمین است. اما این مقدار تکثیر بدلیل عدم امکان تامین مواد و فضای لازم در سطح آزمایشگاهی میسر نیست.

با یک مقدمه و شرح مبسوط درباره ایمان و مراتب ایمان به اصل موضوع پرداخته خواهد شد که این دو بی هم بی معنی است.

تعریف مومن:

- همیشه سخت بوده است. در این باره قرآن یک سوره مستقل مومنون وجود دارد. در قرآن به خیلی از مومنین خطاب می شود مسلم. پیامبر (ص) هم از عمق تفاوت ایمان سلمان و ابوذر می گوید که اگر از ایمان هم با خبر بودند به ایمان هم کفر می ورزیدند!

پس مومن کیست؟ فردی است آراسته به "ایمان و عمل" یا آراسته به "ایمان، علم و عمل" یا آراسته به "ایمان، علم و اخلاص عمل" یا آراسته به "ایمان، علم، اخلاص عمل و ایثار جان و مال" و یا نه مراتب و درجات ایمان بیش از اینهاست (تا اینجای مطلب درج در سایت شفقنا. فایل ۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵). حتی یک ناتعریف در انتهای آن متن آورده بودم به این مضمون "مومن از غصه می میرد و غیرمومن از قصه".

- تمام هدف قرآن ارائه تعریف بر جن و انس و.. است. همه چیز در قرآن تعریف دارد از جمله تعریف مومن و مسلمان، مشرک و کافر، منافق و معاند و..چون نظام آفرینش بر مبنای همین تعاریف شکل گرفته است. ثوابها بر اساس تعریف است. مجازاتها بر پایه تعریف است. اینکه با ذره محاسبه می کند چون ترازوی خدا تعریف دارد.

درست است الرحمن و الرحیم است **اما تعدادی قدر این نعمت را نمی دانند. انتقام خدا را دوست می دارند!** خدائی که پاداش خوبی را یک به ده و یا یک به ۷۰۰ می دهد.

بیش از اینها هم اغماض می کند چون می گوید از رحمت من مایوس نشوید اما همه چیز حساب و کتاب دارد.

"مرد و زن مسلمان" ممکنست ظاهری نامسلمان داشته باشد، اما "مرد و زن مسلمان مومن" مقید به ظاهر و باطن است.

زیرا مرد و زن مومن آموخته است سالخورده هم که شد عفت خود را حفظ بکند. اما زن مسلمان می تواند از قسمت اول آیه تبعیت بکند:

زنان سالخورده که دیگر عادت ندارند و امید ازدواج و نکاح هم ندارند بر آنان باکی نیست که جامه‌های خود را نزد نامحرمان برگیرند، اما اگر بخاطر عفت و تقوا جامگان خود را بر نگرفتند بر آنان (در دین و دنیا) بهتر است. آیه ۶۰ سوره نور).

هکذا زن مومن قاتل نمی شود، مجرم نمی شود، فمنیست اسلامی و غیر اسلامی نمی شود، عهد شکن نمی شود، خطاکار نمی شود چون دارای انگشتر ایمان است، دارای نگین خود آگاهی است، دارای الماس دانائی و حلقه به گوش بندگی است، تابع حرف خدا هست، از ۶۲۳۶ آیه قرآن مثل جان عزیزش محافظت می کند.

- از دوره طفولیت فرزندان ذکور و اناث آموخته اند چی بد است و چی خوب. به ایشان در همان دوران کودکی گفته شده است برای ورود به اطاق خواب پدر و مادر خود باید در سه نوبت اجازه بگیرند زیرا والدین او در آن ایام ممکنست بی لباس یا لباس کوتاه برتن داشته باشند (آیات۵۸ و ۵۹ سوره نور)

پیش از نماز صبح،

هنگام ظهر و

موقع خواب.

- به سن بلوغ هم که رسیدند همیشه باید اجازه بگیرند. اجازه گرفتن جزو ارکان معرفتی ادیان الهی است. با اجازه و نه بدون اجازه حتی اگر کلید خانه را هم همراه داشته باشند. ورود خود را به خانه خود، دوست خود و خانه خدا با سلام باید اعلام بکنند (آیه ۶۱ سوره نور). او از همان دوران طفولیت آموخته است که حدود و ثغور و خط قرمزهای خدا کدامها هستند. تمکین به خدا: تسلیم محض در برابر احکام خدا. مومن واقعی یعنی این. مرد و زن، عالم و عارف، خودی و غیرخودی و این قرن و آن قرن نمی شناسد. **هیچ عالمی مجاز نیست در محکمات قرآن دست ببرد. فتاوای ضد احکام دین صادر بکند.**
- در آیات ۹-۱ سوره مومنون و بعد آن (۶۱-۵۷) خداوند به چند سنگ محک مهم ایمان اشاره می کند:

۱) خضوع و خشوع در نماز، ۲) بر زبان نراندن سخن لغو و بیهوده، ۳) دادن زکات مال، ۴) چشم از ناروا برداشتن، ۵) زنا نکردن و محافظت از فروج، ۵) امانت داری ۶) وفا به عهد، ۷) محافظت از نمازهای خود (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ-آیه ۹ سوره مومنون)، ۸) خداترس بودن و ایمان داشتن به همه آیات، ۹) بر خدا شریک قائل نشدن ۱۰) عمل به وظیفه بندگی، ۱۱) دل نگرانی از روز قیامت، ۱۲) تعجیل در انجام امور خیر، ۱۳) دل مریض نداشتن، ۱۴) تسلیم بودن در برابر حکم خدا و رسول او.

- خیلی ها بظاهر مومن اند اما فکر می کنند بعضی آیات قرآن به روز نیست! در حق ایشان ظلم روا شده است.

آیه ۴۹ سوره نور در این باره می فرماید ایشان به خدا و رسول او شک دارند پس خود ایشان ظالم و متعدینند.

دیگر صفات مربوط به ایمان در سور دیگر قرآن شامل ۱۵) خدا را بدون شریک دیدن و مخلصانه خواندن (مومن یا غافر/۱۴)، ۱۶) یقین به وجود آخرت (نمل/۳)، ۱۷) شک و تردید به خود ندادن در مورد خدا و پیامبر، ۱۸) نثار مال و جان در راه خدا (حجرات/۱۵).

- تا اینجای کار، افراد مومن باید به چند صفت متصف می شدند تا مومن محسوب می شدند. به گواهی آیات سوره مومنون، هرکس به ۱۴ آیه سوره مومنون ایمان داشته باشد مومن و وارث بهشت است (أُوْلَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ).
- از طرف دیگر، به گواهی آیه ۱۵ سوره حجرات، مومنین کسانی هستند که به ۴ اصل ایمان راسخ دارند:

۱. به خدا و رسول او ایمان دارند،

۲. در مورد خدا و پیامبر شکی به دل راه نمی دهند،

۴ و۳. با مال و جان در راه خدا جهاد می کنند چنین کسانی راستگویانند (أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ).

به نقل از حضرت محمد (ص): لا إیمانَ لِمَنْ لا أمانَةَ لَهُ، لا دِینَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ. کسی که امانت داری نمی کند، ایمان ندارد و کسی که به عهد و پیمان های خود وفا نمی کند، دین ندارد.

- طبیعی است افراد هر دو گروه از صادقین و وارثین بهشت برین با قصرهای باشکوه باشند (آیه ۱۰ سوره فرقان). منتها باید در نظر داشت أُوْلَئِکَ هُمُ الْوَارِثُونَ در مقابل أُولئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ قرار نگرفته است بلکه مومنون ذکر شده در سوره حجرات کمی مسئولیت بیشتری بر دوش دارند چون باید علاوه بر مومن بودن از جان و مال خود هم مایه بگذارند که خوب کار هر کسی و حتی هر مومنی در هر سطحی نیست.

اما برای مومنون یک صفتی در آیه ۹ سوره مومنون مقرر شده است (وظیفه محافظت از نمازهای خود) که از بین همه صفات مومنین این وظیفه بسیار مهم و تعیین کننده و بلکه تمام کننده است. نظر دوم من این را به شکل کاملا علمی اثبات خواهد کرد.

ضامن ایمان، حفظ برکات و تبعات و توقع از نماز جز این نیست. کار مسلمان با خواندن نماز شروع می شود و چه بسا با اتمام نماز پایان می پذیرد. اما کار مومن با نماز شروع و تا نمازها (صلوات جمع صلوه است) استمرار می یابد. هرجا برود قبله است. هر کار خیر بکند مهر سجده بر پیشانی اوست (نمود واقعی و نه نمایشی اثر سجده بر پیشانی)،

همه چشم و گوش او گوش به فرمان خدا می شود، اعمال را نه ملائک که خود محاسبه می کند، صداها و سروش ها را به وضوح می شنود، به آن دنیا نزدیک تر می شود. بنابراین تنها ظواهر مسلمانی کسی را مومن نمی کند.

- **از مرز مسلمانی تا مومنی فرسنگ ها فاصله است**. چرا که مسلمان شدن با صرف گفتن شهادتین به خدا و رسول او (اشهد أن لا اله الله و اشهد أن محمداً رسول الله) شروع می شود. بر دارنده آن از طرف خدا منت است اما از طرف بنده خدا منت نیست:
- آنها بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند (یَمُنُّونَ عَلَیْکَ أَنْ أَسْلَمُوا)! به آنها بگو: اسلام خود را بر من منّت نگذارید (قُلْ لاتَمُنُّوا عَلَیَّ إِسْلامَکُمْ) بلکه خداوند بر شما منّت می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد اگر در ادعای ایمان راستگو هستید (بَلِ اللَّهُ یَمُنُّ عَلَیْکُمْ أَنْ هَداکُمْ لِلْإِیمانِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ (حجرات/۱۷).
- **اما ایمان آوردن مثل ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل است**.
- شاید ایمان در یکی از سالهای عمر نصیب فرد مومن بشود و شاید هم به مرور و در طول ایام عمر و شاید هم در یک لحظه به خصوص. و اینجاست که باید گفت خوشا به حال کسانی که سالهای سال مومن بوده اند و مزه میوه های ایمان را مرتب چشیده اند.
- پس بیآئیم نماز را برای نمازی بخوانیم که جعبه نور است (lux light box). کلید ایمان را نماز بدانیم و این کلید را زمین نگذاریم. یکبار کلیک بخورد رهرو را راهبر می کند. به همه آیات قرآن معتقد و متلزم می کند. اینقدر آدم

را در امور مختلفه ریز و ریز بین تر می کند که بی اعتنائی به امر مهم صرفه جوئی و بهره وری در موضوعات مهم نظیر آب و برق و کاغذ و هوا و فضا و غذا برای او کفر محسوب می شود! لغلغه دینداری برای او اسباب کفر می شود.

- **بیآئیم با نماز روزه بگیریم، با نماز حج برویم، با نماز دست مردم بگیریم، با نماز دست دزد را قطع کنیم، با نماز از نفاق که دشمن درجه ۱ ایمان است دوری کنیم، با نماز حق بگوئیم، جزحق چیزی نگوئیم حتی اگر به ضرر ما باشد، با نماز ازدواج کنیم، با نماز علم بیآموزیم، با نماز از زوج خود حمایت کنیم، با نماز امر خدا را امر و منکر خدا را تا آخر عمر خود منکر بدانیم. با نماز به لقای روزانه خدا برویم**، سخت است حفظ ایمان همچنانکه سخت است حفظ نماز. اما برای مومنین این امر شدنی است. یک مقدار اراده و اتکال می خواهد. بدن ورزشکار ساخته شده است برای ورزش قهرمانی و جسم و روح مومن ساخته شده است برای تبلور ایمان. نتیجه اینکه ایمان، ایمان است. ایمان مترادف آگاهی است.

بقول مولانا در دنیا تنها یک فضلیت است و آن دانائی است و یک گناه است و آن نادانی. آدم نادان بغلط مومن است. پیش به سوی دانائی که محصولش تبلور ثانیه به ثانیه ایمان در جسم و روح فرد مومن است.

اما چرا باید مومن بود؟

- زیرا هرچه می کشیم از مسلمانی ماست و هرچه نمی کشیم از مومنی ماست. صحبت از مقام مومن کار سخت و بلکه از اهم وظایف ذاتی هر بشر معتقد به خداست. ا
- فلاطون می گفت هر کس علم ندارد وارد این شهر نشود و پیامبر عظیم الشان اسلام به آن مادری که نزد او آمده بود تا فرزند بیمار او را نصیحت کند خرما نخورد تا خوب بشود. فرمود امروز نه برو فردا بیا. فردا فرزند را نصحیت کرد. وقتی کلام نفوذ کرد و مادر و فرزند با خوشحالی رفتند، اصحاب پرسیدند چرا امروز چرا دیروز نه؟ فرمودند چون دیروز خودم خرما خورده بوده ام (مراجعه شود به نوشته بخشنامه فوری برای اصلاح امور: عمل به طلائی ترین پیام پیامبر–حدیث رطب،۱۳۹۵ در همین سایت).
- **بنابراین کسی هم که از مومن می گوید باید در خط ایمان و یا حداقل حائز حد نصاب ایمان باشد**. طبق آیات اول و بعد سوره مومنون و دیگر سور قرآنی هر مسلمانی متصف به ۱۸ صفت مهم بود مومن است. مهمترین این صفات، محافظت از نمازهای خود (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ–آیه ۹ سوره مومنون) است.

اگر یک مسلمان دارای این صفات برجسته بود لایق بهشت است.

و اگر فقط متصف به چند صفت از صفات فوق بود فرد مومن اما ناکامل و نابالغ است. فردی است بین دنیای مسلمانی و مومنی. خود مسلمانی درجه ندارد. نسبت به غیر شاید یک خط بالاتر باشد. کلاس اولی در مقطع

ابتدائی است. مادرزادی است. عنوان بی زحمت است. توفیق مجانی است. یک بودن است. شرط مسلمانی هم که ساده و ساده است: شهادت به وحدانیت خدا و نبوت حضرت محمد (ص) و بس.

- اما مومن بودن دارای درجات است. یکی شدن است. هزینه دارد، محرومیت دارد، اما لذات هم دارد، افتخار هم دارد چون نسبت جمعیت ایشان به دیگران بسی اندک است. به خودی خود یک امت واحده است (نمونه اش حضرت ابراهیم)، الگو است، راهبر است، فرمول اصلاح دارد، نسخه نجات دارد. بالاترین ایشان انبیا و اولیا و سپس اوصیا هستند. همه اعصار به وجود و حضور ایشان نیازمند هستند. به صلاحدید خدا صاحب فرمان می شوند.
- **مراحل ایمان از کمی بالاتر از حد مسلمانی شروع می شود تا معتقد شدن به ۶۲۳۶ آیه قرآن (جمع آیات قرآن).**
- این آیات دقیقا برابری می کند با آیات خلقت، با آیات فطرت، با آیات طبیعت و از همه مهمتر آیات وجودی همه موجودات از جمله انسان. انکار هر یک انکار یکی از آیات فوق است. همچنانکه طبیعت بدون ماه و خورشید و آب و دریا و درخت ناقص است در وجود انسان هم نداشتن چشم و قلب و دست و پا و مغز و رافت و رغبت بی معناست.

با این پیش فرض، درجه آدمی بالاتر از مسلمانی است. اما خود مسلمانی شروع آگاهی است. درجه آن بین صفر و یک نیست. چرا که عدد صفر برای کفار/مشرکین منکر آیات است.

حد مسلمانی بین یک تا چند آیه است. به رنگ خاکستری است. درجه ایمان گروه مومنین هم بین صفر و یک نیست، بین صفر و صد هم نیست. دقیقا بین صفر تا ۶۲۳۶ است. سیاه نیست. بین رنگ خاکستری تا سفید تیره و تا سفید روشن است.

- **تا اینجای کار هرچه گفته شده پیش فرض ها بود. دستورالعمل چیست؟** برای مومن شدن دو نسخه بیشتر پیش روی ما نیست:
  ۱. سوره مومنون (سوره ۲۳)
  ۲. سوره مومن یا غافر (سوره۴۰).
- اتفاقا شماره سوره ها به درستی انتخاب شده است. شروع با هدایت است. پایان با مجازات است. مومنون جمع مومن است برای ساختن مومن و مومنه است. مومن اما اسم مفرد است و قصه یک فرد مومن از آل فرعون است. یک مومن خالص و مخلص است.

به مانند یک خودرو می ماند که ۱) همیشه آمپر بنزین آن روی درجه فول است، با تمام ظرفیت است، ۲) هیچوقت بنزین کم نمی آورد، ۳) جز با بنزین سوپر باک او پر نمی شود. هرچه غیر از این بود شرح مثنوی مومنون کم

مخلص و کم مقید است که بعضا درجه آمپر بنزین وجودی ایشان تا نزدیکیهای خط اول هم می رسد اما کمتر از آن نمی رسد که کمتر از آن مرتبه مسلمانی و پائین تر از آن است. چرا مومن تمام فول است. چون باک او بدست خود او و اعمال نیک او مرتب پر می شود. فرد رهائی نیست. از او زمین و آسمان محافظت می کند همچنانکه او محافظ زمین و زمان خود است.

برعکس، هر کس مغرور شد و مقابل خدا ایستاد، از ایمان آوردن و مومن شدن اعراض کرد و دنیا را برای دنیا خواست، آخرت را برای دیگران خواست نسخه نجات او سوره مومن است.

در این سوره هیچ خبری از تشویق مردم به کسب ۱۴ صفات منحصربفرد مومن بودن نیست. فقط یک جا فرموده خدا را با اخلاص بخوانید (آیه ۱۴ سوره مومن یا غافر). عجبا که آدم کافر به این یک قلم آیه هم ایمان نمی آورد! نتیجه دیدار به قیامت است! وقتی او را وارد جهنم می کنند"پس هنگامی که شدت عذاب ما را دیدند رو به درگاه حق آوردند و فریاد کنان گویند اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم! (مومن یا غافر/۸۴)

جمع بندی:

- بیآئیم تا دیر نشده با نسخه مومنون جلو برویم تا گرفتار آیه آخر سوره مومن نشویم. حیف است در خانه یک مسلمان، ۶۲۳۶ اطاق مجلل باشد و او بخواهد در زاغه زندگی بکند! در گوشه حیاط زندگی کند!
- یاد بگیریم ریشه ایمان، علم است. علم در ابتدای امر به ۱۲ آیه متوالی سوره مومنون. گفتم آدم نادان بغط مومن است. ریشه مسلمانی، شهادتین ساده است (اذان) و غالبا بی شناخت و بی معرفت است. ریشه ریش، دیگر هیچ.

کیست نداند مومن بودن جنبه مصلحت فردی ندارد. یک ضرورت غیرقابل انکار است. مومن نجات بخش است. ردپای این آدم ها را می شود در سرتاسر قصص قرآن پیدا کرد. دست به نقد آن، آدم مومن سوره مومن است. ایشان با تمام توان خود کوشش می کنند قومی را از عواقب یک تصمیم/عمل/اقدام بد انذار داده و پند بدهند! هر کدام پند را شنیدند و عمل کردند دنیا و آخرت را با هم بردند. هر کدام منذر را کشتند و زندان و سرکوب کردند گرفتار بلاهای دنیوی و اخروی شدند.

- **بر اساس دو متن فوق برآن شدم این موضوع را مستقلا در چهار تابلو ترسیم بکنم.**

چقدر موضوع حائز اهمیت است؟ به اندازه کل هدف آفرینش، به اندازه کل اسلام، به اندازه شناخت ما مسلمانان از همدیگر و شناخت غیر مسلمانان از ما. هم این دنیا و هم آن دنیا.

- قرآن با ترسیم ۴ تابلو، تکلیف ۴ گروه انسانها را دقیقا مشخص می کند:

۱. انسان غیرمومن (کافر)،
۲. انسان مسلمان،
۳. انسان مسلمان مومن اهل بهشت و

۴. انسان مسلمان مومن، عبد عبید، از عباد الرحمن، دارای نفس مطمئنه.

- چنان مرزبندی ها دقیق است که هیچکس در هیچ کجای این دنیا و آن دنیا نه به شبهه می افتد و نه کسی را به شبهه می اندازد. همه چیز مثل روز روشن است. هر عملی از هر فرد/گروهی سر بزد بلافاصله شنونده خواهد گفت این کار فلان فرد/فلان گروه است.
- پیش نیازهای این برداشت:

۱) مبنای این تقسیم بندی میزان التزام افراد به حقانیت آیات خداوندی است، ۲) همگان ناگزیرند در دنیا یا آخرت به خدای خود ایمان بیآورد، ۳) منبع این برداشت ها اغلب دو سوره مومنون (سوره ۲۳) و سوره مومن (سوره ۴۰) است، ۴) ممکنست تابلوی دست افراد در طول عمر خود بارها دست بدست گردد، جایگزین شود، زمین گذاشته شود و..لذا هیچ چیز دراین عالم مطلق نیست، ۵) کم و کیف محاسبه اعمال انسانها با خداست ولاغیر. در این مجال به ترتیب اجرای نقش، تکلیف افراد درحد بضاعت بررسی می شود.

❖ تکلیف انسان کافر: هم خود دوست ندارد، هم پیشینه آبا و اجدای او اجازه نمی دهد و دوستان (جن و انس) او هم نمی گذارند او در این دنیا ایمان بیآورد. بی اندازه مجذوب لذات دنیا است. این مردمان مغرور و مجذوب بناچار زیرتابلوی انسان غیرمومن قرار می گیرند.

روی تابلوی دست ایشان نوشته شده است"شرکت سهامی عام بدون محدودیت لذت و بدون مسئولیت ذلت". دیدار با امثال ایشان روز قیامت است. چون ایمان به خدا بر همگان الزامی است ایشان هم بناچار ایمان می آورند منتها هنگام ورود به جهنم و با حال زار و درحال فریادکنان (مومن یا غافر/۸۴).

❖ تکلیف انسان مسلمان: تقریبا بدون تکلیف است. شهادت به توحید و نبوت بکند مسلمان است حتی اگر ایمان به مفاد آنها هم نداشته باشد! این ساده ترین تابلوی اسلام است برای جذب حداکثری. در دست بیشتر مسلمانان بویژه مسلمانان مادرزادی این تابلو بظاهر ساده است.

این افراد به همه آیات قرآن اعتقاد راسخ ندارند. آیات را گزینشی انتخاب می کنند. تفسیر به رای می کنند. هرجا به ضررشان باشد به آن پشت می کنند. هرجا به نفعشان باشد آن را اعلم می کنند. زیر این این تابلو قرارگرفتن به ایشان این مجوز را می دهد سفر حج بکند، وارد شهر مکه بشود و در مسجد الحرام طواف خانه خدا بکند. حاج آقا و حاجیه خانم بشود. تا چه دلش بخواهد! به نماز بایستد یا نایستد، روزه بگیرد یا نگیرد، زکات بدهد یا ندهد، زنا بکند یا نکند و...

متاسفانه گرفتاری اسلام و قرآن از ناحیه این گروه از مسلمانان است. اما تا این سطح پذیرش اسلام قابل تحمل است. ایده آل نیست اما چاره ائی هم نیست. مثل اکثر مردم دنیا با هر مذهب و اعتقادی که دارند. لشگری از انسانهای حداکثری با پرچم سفید. تا بدست کی بیفتند و چه کاری بکنند.

موضوع وقتی خطرناک می شود که قلیلی از ایشان به افراط و تفریط می افتند. اولین زنگ خطر برای همه جوامع. ترازو را که از دست داد اعتدال گریز می شود، بنام خدا حکم صادر می کند، یکی را جهنمی و دیگری را اهل بهشت معرفی می کند! رفتارهائی از او سر می زند که بقیه افراد این گروه از آن اعلام انزجار می کنند. قتل نفس تا حملات انتحاری در داخل مساجد و ریختن خون مسلمانان روزه دار. الحذر از این مسلمانان که یک عمر زیر تابلوئی می ایستند که اول و آخر حرفشان کسب ثواب بیشتر است.

- تکلیف انسان مسلمان مومن اهل بهشت: تمایل این افراد ایمان آوردن به خدا در همین دنیا است. تعدادشان قلیل و ایمانشان راسخ است. به ایشان توصیه می شود سوره مومنون (سوره ۲۳) را باز بکنند و به آیات ۹-۱ و آیات ۶۱-۵۷ بدون کم و کاست عمل بکنند. اگر به ۱۴ اصل ذکر شده معتقد و پایبند بودند مفتخر به ایستادن زیر تابلوی انسان مسلمان مومن وارث اهل بهشت هستند.
- تکلیف انسان مسلمان مومن، عبد عبید، دارای نفس مطمئنه: این ۱۴ اصل را مجددا می آورم تا جدول مربوط به این گروه ویژه را هم ترسیم کامل کنم.

۱) خضوع و خشوع در نماز، ۲) بر زبان نراندن سخن لغو و بیهوده، ۳) دادن زکات مال، ۴) چشم از ناروا برداشتن، ۵) زنا نکردن و محافظت از فروج، ۵) امانت داری ۶) وفا به عهد، ۷) محافظت از نمازهای خود (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ)، ۸) خداترس بودن و مومن بودن به همه آیات، ۹) بر خدا شریک قائل نشدن ۱۰) عمل به وظیفه بندگی، ۱۱) دل نگرانی از روز قیامت، ۱۲) تعجیل در انجام امور خیر، ۱۳) نداشتن دل مریض و ۱۴) تسلیم بودن در برابر حکم خدا و رسول او)+ چند صفت دیگر از جمله یقین به وجود آخرت (آیه ۳ سوره نمل)، شک و تردید نداشتن به وجود خدا و پیامبر و بالاخره نثار مال و جان در راه خدا (آیه ۱۵ سوره حجرات).

همه افراد مومن گروه سوم و چهارم باید به این مجموعه صفات مهم و تاثیر گذار متصف باشند تا مومن شمرده بشوند. همه می دانیم بسیاری از مومنون راستین دارای این صفات ویژه هستند، متین اند و افتاده، سلیم النفس هستند و صریح الهجه، مقتدرند و معتکف، منتظرند و معتصم به حبل الله.

اما چه فرقی با این گروه آخر دارند؟ گروهی از انسانهای مسلمان مومن که لقب عباد الرحمان دارند، دارای نفس مطمئنه هستند، خداجو هستند در هر ساعتی از شبانه روز، متکبر نیستند، پاسخ جاهل را با سلام می دهند، معتدل هستند، از روز قیامت هراسناک هستند، از قتل نفس واهمه دارند و از همه مهمتر قرآن شناس و آیات محورند (سوره فرقان آیات ۶۳ به بعد).

معلوم است ایستادگان زیر این تابلو از خالص ترین و مخلص ترین بندگان خدا هستند. اگر مسلمان اند از بانیان و ذوب شدگان اسلام و آیات قرآنی هستند.

امام حسین (ع) یکی از مصادیق ایشان است.

واگر غیر مسلمان اند در خط ایشان هستند. شان ایشان آیات ۳۰-۲۷ سوره فجر است" یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعی إِلی رَبِّک راضِیَةً مَرْضِیَّةً فَادْخُلی فی عِبادی وَ ادْخُلی جَنَّتی- ای که به کل سور و آیات قرآنی (۱۱۴سوره و ۶۲۳۶ آیه) ایمان و ایقان داشتی و بواسطه آن صاحب نفس مطمئنه شدی، به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. تو ای بنده خاص من به بهشت من داخل شو".

نتیجه گیری این بخش:

- تا دیر نشده با نسخه مومنون جلو برویم تا گرفتار آیه آخر سوره مومن نشویم. حیف با در دست داشتن قرآن و مفاهیم قرآنی انسان برگزیده نشویم، با داشتن چلچراغ ۱۱۴شاخه و ۶۲۳۶ شعله در تاریکی بسر ببریم، در گوشه حیاط زندگی بکنیم، سری بین سرها نداشته باشیم، غیر مسلمان ما را ملامت کنند و ما قادر نباشیم از دین خود، از قرآن خود، از خدای خود، از تاریخ صدراسلام تا آن موقعی که رسول خدا زنده بود و جبرئیل پیام آور بود دفاع بکنیم. حیف است قرآن را با ۶۲۳۶ آیه قرائت بکنیم.

در تجوید، صوت و لحن قرآن، آن مقدار وسواس از خود به خرج بدهیم تا کسب امتیاز لازم بدست آید اما در عمل به همه آن آیات مقید نباشیم.

در گرایش های مختلف رشته میکروبیولوژی برای اینکه یک عامل بیماری مشخص بشود ضروری است همه آزمونهای تشخیص بکار گرفته بشود تا عامل اصلی از دیگر عوامل متمایز و امر شناسائی با دقت صد در صد انجام بگیرد. بعضا یک آزمون نقش کلیدی پیدا می کند، بعضا باید هم صفات ظاهری و هم صفات ژنتیکی با هم مقایسه بشوند تا تشخیص قرین به یقین باشد. در مورد خداشناسی هم این امر صدق می کند.

با چند آیه شاید بتوان مسلمان شد اما با کمتر از ۶۲۳۶ آیه مومن شدن از محالات است. همانگونه که در بالا آمد و تکرارش مزید آگاهی است ریشه ایمان، علم است. با اگر مگر کار درست نمی شود. در ارتقای علمی و آگاهی خود و دیگران باید همت عالم اسلامی کرد. بیمه جهان اسلام فقط و فقط با انسانهای فرهیخته و با تولیدات فاخر است.

کسی چه می داند

شبان کجا خوابد

شبان اگر خوابد

جوان کجا خوابد؟

شبیه این باشد

زمین به ما باشد

سما ز ما باشد

نه آب از او بارد

نه نور از او تابد

کجا زمین باشد

کجا زمان باشد

اگر مگر باشد

مگر اگر باشد

لباس تن زیباست

صفات من زیباست

علی به عدل زیباست

جمیل به حق زیباست

- پرسش: چگونه در این عمر کوتاه خود ایمان را تجربه کنیم؟

- آیا این عمر کوتاه برای نیل به این هدف مهم کفاف می دهد؟ یا نه عمر نوح می خواهد؟ طبق آیات قرآنی، **یک روز خدا (در قیامت و در زمین) برابر است با هزار سال ما در روی زمین** (آیه ۴۷ سوره حج و آیه۵ سوره سجده). یعنی عمر حضرت نوح که ۹۰۰ سال (۳۲۰،۴۰۰ روز) بود مساوی است با کمتر از ۱ روز خدا. ۱۰۰ سال عمر ما انسانهای عادی هم برابر است با یک دهم روز خدا. به همین سبب است که در روز قیامت وقتی از کافران می پرسند چند سال در زمین درنگ کردید می گویند ۱ روز یا یک جز از روز (سوره مومنون آیات ۱۱۳-۱۱۲).
- معلوم می شود روز ما در قیامت با روز خدا یکسان می شود. **اما تا آن موقع ۳۶۵،۰۰۰ روز انسان برابر است با یک روز خدا**. یک انسان با متوسط عمر ۷۵ سال جمعا ۲۷،۳۷۵ روز عمر می کند. حدودا ۱۳ بار کمتر از یک روز خدا! عمر ۱۳ نفر با طول عمر متوسط ۷۵ سال اگر با هم جمع بشود می شود تازه می شود یک روز خدا!

- با این حساب، فاصله روز خدا با روز ما فاصله هزار ساله است و نیز سرعت حرکت عقربه های ساعت (کرنومتر) خدا با سرعت حرکت عقربه های ساعت ما چند ده هزار ساعته است. برای همین است که اگر یک فرد که صد سال عمر کرده است یعنی یک دهم روز خدا که برابر است با ۱×۲۴×۳۶۵×۱۰۰ ساعت ما در روی زمین قادر بود روند حرکت رو به جلوی عقربه ساعت شمار خدا را ببیند شاید می توانست با چشم مسلح خود مقدار حرکت

عقربه را در حد ۵ دقیقه کمتر یا بیشتر ببیند! اما این نباید موجب یاس و نومیدی و قطع رابطه ما با خدا باشد زیرا برغم فاصله های دور از انتظار و بس بعید خالق و مخلوق، نقاط مشترک قابل توجهی هم بین روز و ساعت ما با روز و ساعت خدا وجود دارد که دست انسان را برای هر کاری باز می گذارد.

- بطور مثال یک انسان که حدود ۷۵ سال عمر می کند در واقع ۲۷،۳۷۵ روز و به مقیاس ساعت، ۶۵۷،۰۰۰ ساعت عمر می کند. این مقدار روز و ساعت به اندازه کافی برانگیزاننده و تعیین کننده است که انسان بخواهد سعی وافر خود را بکند که هم به زندگی و زندگانی خود برسد و هم اگر التماس دعائی از خدا دارد که ده ها دارد آنها را مطرح بکند و اجابت دعای خود را در عمر کوتاه خود از جانب خدا بشنود و ببیند.

منتها اگر دعاها دیر اجابت شد نه بدلیل نشنیدن و اقدام نکردن که بیشتر بدلیل مصلحت و کمتر به دلیل تفاوت فاصله زمانی و نه مکانی ما با خداست. تازه انسانی که رابطه خود را با خدا به ثانیه و نه به روز بکند این فاصله زمانی از او بطور نامرئی برداشته می شود.

ضمن اینکه ما در طول عمر خود چند روز میهمان خانه دیگران هستیم؟ اما انتظار خدا از ما این است که هر روز و هر ساعت میهمان خانه او باشیم. با چه وسیله ائی؟ ابتدا با نماز! بعد هم با عبادتهای دیگر. اما برای اینکه به این موضوع صبغه علمی داده شود تا یقین توام با رضایت و لذت حاصل بشود چاره ائی نیست جز اینکه با چند روش رایج علمی، عبادات خود را با آخرین تکنولژی روز محاسبه علمی بکنیم.

- **روشی که در این مقاله به آن پرداخته می شود روش مولکولی "واکنش زنجیره ای پلیمراز یا پی سی آر (PCR)" است. روش رایج در همه آزمایشگاه های تشخیصی.**
- آیا مجاز به این مقایسه هستیم؟ بلی. محاسبه اعمال ما در دنیا و آخرت به ذره است. درحد مولکول و زیر آن است. در این مقاله از بعد مولکولی محاسبه می کنیم و در مقاله دیگر از روش علمی دیگر (Lux box). علم به ما این فرصت را می دهد آدم مومن دانا باشیم، آدم عالم مومن باشیم.

مقایسه نماز با دستگاه ترموسایکلر PCR:

- شاید و حتما هم این قیاس، قیاس مع الفارق است. مقایسه فیل و فنجان است، لاهوت با ناسوت است، روز خدا با روز ماست، تشبیه آدم با آدم آهنی است. اما چاره چیست؟ یکی از شبیه ترین های سنجه ها در روزگاران ما است. نکنیم چه بکنیم؟ نسل را به روز نکنیم چه بر روز آنها خواهد آمد؟ اگر می خواهیم از علم و مباحث روز علمی استفاده معنوی ببریم، به اقناع معنوی لازم برسیم، از عبادات و نماز خود لذت ببریم، خطای نماز خود را به حداقل برسانیم، شکیات خود را به صفر برسانیم، با همان اذکار، نمازهای کمی خود را کیفی کنیم، چاره ائی نیست جز اینکه به علم روز مسلط بشویم.

همچنانکه وسائل، تجهیزات و دستگاه ها به روز می شوند اعتقادات ما هم نیازمند به روز شدن هستند.

کافیست نماز خواندن های خود را به روز بکنیم دیگر عبادات ما به خودی خود به روز می شوند. با این شیوه و از طریق این دستگاه سنجش (ترموسایکلر PCR) خواهیم دید چگونه یک ژن (قطعه‌ای ازDNA حاوی اطلاعات وراثتی از نسلی به نسل دیگر) نادیدنی بسیار کوچک با تکثیر انبوه، دیدنی می شود، رویت می شود، اندازه گیری می شود. نقوش (باند) شفاف موید ژن خالص، تکثیر خوب، محصول خوب است. برعکس، دیدن باند ضعیف به هزار و یک دلیل است.

- ابتدا لازمست دستگاه ترموسایکلر PCR و روش مولکولی پی سی آر بدرستی معرفی بشود:
- این روش و دستگاه مربوطه (PCR) شبیه همان کاری را می کند که نماز می کند. این روش/دستگاه به محققان بیشتر رشته های بیولوژیکی و مولکول بیولوژی کمک می کند موجودات زنده را (انسان، گیاه، حیوان تا تک سلولی ها) نه از ظواهر آنها که از محتوای ژنی و توالی های ژنی آنها بشناسند. روش و دستگاه پی سی آر (PCR) در این چند سال (از سال ابداع آن در سال ۱۹۸۳ میلادی) پیشرفتهائی زیادی کرده است. هم روش ها متعدد و به روز شده و هم دستگاه های ترموسایکلر کاراتر شدند. اتفاقا همه این پیشرفت ها نقطه قوت این نوشته است. هرچه پیشرفت ها بیشتر کار این مقایسه آسان تر و دقیق تر. در این مجال فقط به چند نوع آن اشاره می شود.

۱. روش کلاسیک با استفاده از دستگاههای قدیمی ساده PCR (normal PCR):

- کمی وقت گیر و اندکی هم پیچیده است. برخلاف روشها/دستگاهای جدید که سریع، دقیق و به تعبیر من مثل یک برنامه زنده هستند کار با این روش کلاسیک به مثابه برنامه های ضبط شده تلویزیونی است. در این روش کلاسیک یا استاندارد که بنام Uniplex PCR معروف است دستگاه قادر است قطعه ائی به اندازه ۱۰۰ جفت باز تا ۳ کیلوباز را تکثیر کند. برای تکثیر این قطعه غالبا از یک جفت آغازگر (پرایمر) استفاده می شود.
- ملزوماتی که برای انجام آن نیاز است عبارتند از: DNA الگو (template DNA) که از موجود مورد آزمایش بدست می آید، یک جفت آغازگر، نوکلئوتیدهایdNTP (دزوکسی نوکلئوتید تری فسفات)، آنزیم تگ دی ان ای پلیمراز، بافر و دیگر مواد.
- دو روش برای تهیه آغازگر توصیه می شود۱) مراجعه به منابع و مقالات معتبر برای تهیه آغازگر (ها)ی مناسب، ۲) طراحی آغازگرهای انحصاری موجود هدف. کار آغازگرها اتصال به ژن مورد نظر یا هدف و تکثیر آن منطقه ژنی است. بنابراین در این روش امکان تکثیر همه کروموزم یا اسید هسته (DNA) موجود مورد نظر نیست. بلکه هدف تکثیر یک ژن خاص است.

جهت مزید اطلاع، اندازه DNA یک باکتری کوچک چون *E. coli* حدود ۴۷۰۰ کیلوباز و ژنوم آن حاوی۴۰۰۰ حدود ژن است، در مورد انسان این مقدار به ۱۰۰۰ برابر و ۷ برابر ژن باکتری می رسد. بنابراین، طول آغازگر/ جفت آغازگرهای طراحی شده خیلی کوتاه و تقریبا ۲۵۰ هزار برابر کوتاه تر از طول یکDNA یک سلول تک

یاخته است. برای همین واحد سنجش DNA برحسب کیلوباز (هر کیلوباز برابر است با هزار جفت باز) تعیین شده است درحالیکه طول آغازگرها غالبا دارای ۲۲-۱۸ باز هستند.

موضوع مهم دیگر در این ارتباط، انواع آغازگرها است. بطورکلی آغازگرها یا عمومی هستند و یا اختصاصی. آغازگرهای عمومی یک منطقه خاص ژنی را که در همه موجودات مشترک است را تکثیر و بیان می کنند. برعکس، آغازگرهای اختصاصی منحصرا ژن خاص در یک موجود خاص را تکثیر می کنند. با این حساب مزیت آغازگرهای اختصاصی شناسائی دقیق ژن مورد نظر است. پس از تهیه آغازگرها، نوبت به استخراج DNA خالص موجود مورد نظر می رسد. دقت عمل این مرحله کمتر از طراحی آغازگرها و بقیه مراحل نیست.

بطور مثال، کمترین آلودگی در کار استخراج DNA، تولید محصول نهائی را مختل می کند. لذا همه مراحل استخراج و تکثیر در شرایط کاملا سترون انجام می گیرد. مرحله ماقبل آخر، تهیه محلول پایه (master mix) مرکب از "مخلوط آغازگر+DNA+ آنزیم تگ پلی‌مراز و چند ماده دیگر" است. این مخلوط در مقادیر غالبا ۲۵ میکرولیتر در داخل میکروتیوبها تهیه و در محل فوقانی دستگاه ترموسایکلر PCR قرار داده می شوند. کل مراحل کار این دستگاه طی سه مرحله، ۴۰-۲۰ چرخه و در مدت ۴-۳ ساعت انجام و پایان می پذیرد:

۱. مرحله واسرشت یا باز شدن دو رشته DNA الگو (استخراج شده) که در دمای بالا (۹۴°C) و در مدت حدود ۳۰ ثانیه انجام می گیرد،

۲. مرحله اتصال آغازگرها به رشته DNA الگو که در مدت حدود ۱ دقیقه اما در دمای خنک تر بین ۷۲-۳۷°C صورت می پذیرد، و

۳. مرحله بسط و گسترش دو رشته جدید (توالی ژن مورد نظر) که در دمای نسبتا ملایم (۷۲°C) که مناسب فعالیت آنزیم تگ پلیمراز است. عمل پلیمریزاسیون نسبت به دو مرحله قبلی کمی طولانی تر و در طی مدت ۲ دقیقه انجام می گیرد.

کل این سه مرحله، چرخه اول تکثیر (first PCR cycle) محسوب می شود. اما برای اینکه از ژن مورد نظر بیش از یک میلیون نسخه به صورت تصاعدی تکثیر بشود نیاز به تکرار سه مرحله فوق طی ۴۰-۲۰ چرخه است که به ۳-۲ ساعت زمان نیاز دارد.

- موضوع مهم در اینجا که مصداق عینی نماز هم هست، ساخته شدن الگوهای جدید DNA از الگوی اصلی آن (استخراج شده) در هر چرخه است (تسلسل مراحل و اعمال). بدین معنی که دو رشته DNA الگو، درست است تابعی از توالیهای DNA الگوی اولیه است اما برای تکثیر آن، در هر مرحله نیاز به نسخه جدید آنهاست. به عبارت دیگر، الگوی تکثیر در هر چرخه، نسخه جدید و نه قدیم است و این پویائی یک تکثیر مفید و موثر را نشان می دهد. تکثیر از آخرین نسخه تکثیر شده (رکعت اول پایه تکثیر رکعت دوم الی آخر در نماز).

- اما در این روش برای رویت ژن تکثیر شده نیاز به چشم مسلح است (ایراد بزرگ روش/دستگاه فوق نسبت به دستگاه های مدرن). به این ترتیب محصول پی سی آر را از دستگاه ترموسایکلر خارج می کنند، داخل یخچال به مدت ۵ دقیقه خنک می کنند، بعد روی ژل برده و الکتروفورز (Gel electrophoresis) می کنند. پس از راندن محصول پی سی آر بر روی ژل، محصول تولید شده به صورت یک یا چند باند در مدت کمتر از نیم ساعت زیر دستگاه ژل داک (Gel Doc) مجهز به لامپ ماورای بنفش قابل مشاهده است.
- دیگر ملزومات این روش ۱) کشت باکتریها روی محیط کشت های بدون قند برای جلوگیری از رشد لعابی کلنی های آنها که کار استخراج DNA را سخت می کند (در مورد نمازگزار هم این موضوع کاملا صدق می کند زیرا که نمازگزار هم باید با معده سبک، دهان خالی و بدون تکلف و.. خود را برای خواندن نماز آماده بکند)، ۲) سنجش کمی و کیفی DNA استخراج شده برای اطمینان از غلظت مناسب DNA، عدم آلودگی DNA به پروتئین ها و چربیها و دست یابی به محصول PCR مطلوب با باند/باندهای شفاف است (در مورد نمازگزار این سنجه بسیار حائز اهمیت است زیرا ناخالصی اعمال مانع اخذ نور مناسب است، ۳) گذاشتن خط کش (ladder) در کنار ژل برای اندازه گیری باند بدست آمده (در مورد نماز بهترین خط کش کم و کیف اعمال روزانه ماست).
- با این مقدمه شاید بشود وارد فاز اول بحث معرفتی و زمینه شناخت از کارکرد نماز شد. بکارگیری علم برای شناخت بهتر نماز و ایمان بیشتر به کارکرد نماز. علم روز–ایمان روز، تا بشود مومن روز بود، و با اسطرلابهای جدید به ابعاد مختلف ایمان پی برد. از همه مهمتر بتوان دریافت که برای تکثیر تریلیاردها ژن ایمان دقیقا به چندسال عمر مفید نیاز است.
- آیا افرادی که به فرمایش پیامبر عظیم الشان اسلام یک شبه ره صدساله رفتند و وارد جنت خدا شدند با قیاس با ابزار و روشهای مدرن قابل ردیابی و راستی آزمائی هستند؟ بی تردید راه های تقرب به خدا در منابع دینی همه ادیان بس فراوان و اتفاقا بسیار هم پویا هستند.

کافیست یک فرد تصمیم بگیرد فردا حر بشود، یک فرد آزاده باشد، یک فرد فرهیخته باشد. اگر فرد مستعدی باشد چنانچه بطور آنی برای او میسر نشود در مدت ۸۰–۷۰ سال عمر مفید خود به آن شخصیت می تواند نزدیک بشود. اما ایمان که کروموزم نیست بشود با دستگاه ترموسایکلر PCR تکثیر کرد. خدا هم نعوذبالله DNA نیست که ما او را بصورت کمی و کیفی ادراک بکنیم. او جوهر وجود و موجود است. سازنده، داننده و هدایت کننده کائنات است (کل خزائن نزد اوست).

- اما در مقام مقایسه، شاید بشود با استفاده از روش بزرگ بزرگان (آغازگرهای تائید شده) و یا با طراحی آغازگرهای اختصاصی (انحصاری هر فرد) وحتی با آغازگرهای عمومی (نوع دوستی و نیکوکاری و سبقت جستن در امور خیریه (توام بودن ایمان با عمل صالح، آیه ۴۰ سوره غافر) اتصال خود را به آن جوهر وجود که باریتعالی هست مهیا ساخت.

- اگر دستگاه ترموسایکلر PCR این کار را طی سه مرحله ۱) مرحله واسرشت، ۲) مرحله **اتصال** آغازگرها به رشته DNA الگو، و ۳) بسط و گسترش رشته ساخته شده انجام می دهد و در مدت ۳-۲ ساعت، قطعه جدید ژن (محصول ژن) روی ژل به صورت باند در مدت کمتر از یک ساعت مشاهده می شود، در آن صورت اتصال بنده به خدای خود چرا در همان چند رکعت نماز میسر نشود.
- اما برای تقرب جستن و متصف شدن به صفات مطلوب بندگی و مومن شدن به معنی واقعی کلمه، این کار در یک وقت نماز و با یک روز عبادت میسر نمی شود. بلکه این پروسه طی چندین مرحله (هفت یا هفتاد یا هفتادها خوان و یا در ۴۰ روز که اربعین نام دارد و یا در موارد استثنائی با یک تصمیم آنی اما عالی چون تصمیم حر و یا مجاهدین صدر اسلام که تا ایمان آوردند شهید شدند و وارد جنت شدند) برای انسان سالک امکان پذیر می شود. شایان ذکر است:

۱) همچنانکه مراحل انجام پی سی آر باید به ترتیب پروتکل پیشنهادی و با دقت لازم انجام پذیرد در مورد نماز هم این دقت باید کاملا رعایت گردد. یعنی به ترتیب از تکبیر تا سلام ادامه یابد و نه برعکس. ۲) ذکری و رکنی فراموش نشود زیرا تکثیر محصول در پی سی آر مختل می شود. قطعا اهمیت این موضوع در نماز اولی تر است مگر اینکه بپذیریم اغماض خداوند مهربان بر شک های نماز ما بیش ازحد تصور ماست (تفاوت های نماز و دستگاه تکثیر ژن)، ۳) ترتیب اتصال آغازگر به DNA الگو همچنانکه در روش پی سی آر توضیح داده شد از ناحیه ۳ پریم بطرف ۵ پریم و ساخت رشته جدید DNA توسط آنزیمTaq DNA polymerase از ناحیه ۵ پریم بطرف ۳ پریم است.

در مورد تکثیر ناحیه خاصی از رشته DNA به کمک آغازگرها (همیشه در جهت ۵ پریم بطرف ۳ پریم) این موضوع کاملا صدق می کند. ساخت ناحیه خاصی از رشته DNA توسط آنزیم Taq DNA polymerase در جهت ۳ پریم **به** ۵ پریم خوانده و رشته مکمل آن در جهت ۵ پریم به ۳ پریم بصورت معکوس ساخته می شود (رفت و برگشت در یک ناحیه خاص). چه بسا در نماز هم این ترتیب و ترادف وجود داشته باشد و شاید هم ترتیبات و تسلسل های دیگر. والله اعلم.

- به نظر می رسد تکثیرهای عبادی و اعتقادی ما هم از نوع رفت و برگشت بین خلق و خالق در یک جهت (قبله) و به حالت گردون و گرداگردی است. از جنس طواف است. هم سوی و هم جهت طواف است. برعکس حرکت عقربه های ساعت است. کل منظومه ها در طواف اند. اذکار در کام دهان نمازگزار به صورت حلقه نورانی بیرون می آید. حلقه اول ما را احاطه می کند، بعد سجده گاه ما را، بعد خانه ما، شهر ما تا خانه خدا را. جالب است بدانیم محصولش هم گرداگردی است.

تو خوبی کن در دجله انداز/که ایزد در بیابانت دهد حکایت از شعاع و نفوذ عبادت در کل زندگی ما دارد. از همه اینها مهمتر، با شعاع جهانی تر و بلکه فرا- جهانی تر و جناحی تر، این حرف اول و آخر حضرت رسول در باب مسلمانی است که می فرماید "مَنْ اَصْبَحَ و لم یَهْتَمُّ بِأمورِ الْمُسْلِمینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلاً یُنادی یا لِلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ- هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نورزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست".

- **بظاهر عمر انسان جنبه طولی، خطی و افقی دارد. از کودکی تا پیری جهت رشد یکطرفه و مستقیم است. اما برگشت به سوی خداست. دایره است- خط نیست.**
- با عبادت این زندگی کهکشانی می شود. خود انسان صدها کهکشان سلولی دارد. چند صد کهکشان را در وجود خود دارد. تعداد سلولهای بدن انسان چند صد برابر بیش از کهکشانهای موجود دنیا است. اگر خداوند عالم در آیات ۷۲-۷۱ سوره مریم می فرماید:"وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلاَّ وارِدُها كانَ عَلى رَبِّكَ حَتْماً مَقْضِيّاً. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظّالِمينَ فِيها جِثِيّاً- و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید. این امری است قطعی بر پروردگارت! سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهائی می بخشیم و ظالمان را در حالی که به زانو در آمده اند در آن رها می سازیم" **نشان از این گردگردی دارد. پایان این گرداگردی و دایره واری را خدا می داند و بس.**
- اما به جز افراد مخلد در جهنم بقیه پس از پایان دوره مجرمیت و مجازات به جمع بهشتیان در می آیند و جزئی از گردونه قیامت می شوند. به طور قطع و یقین بهشت هم باید حالت گرداگردی داشته باشد. چرا که در بهشت رکود نیست، فقط خورد و خوراک و لذات مادی نیست، تجمع مومنین است، جمع ژنهای برتر رنگین کمانی است که چشم دنیا و دنیاپرستان قدرت دیدن آنها را در زمان حیات طیبه ایشان نداشتند. با هم پر بگشایند از طاووس و قوس و قزح هزار برابر رنگین کمان تر اند. دیدنش کسی را سیر نمی کند.
- **با این مقدمه شاید بشود به این جمع بندی اولیه رسید:**

زمان حدود ۷۵ سال عمر مفید که به واحد روز می شود ۲۷،۳۷۵ روز و به ساعت ۶۵۷،۰۰۰ ساعت، برای یک انسان کافیست که بتواند ایمان خود ارتقا بدهد، نشان بدهد و از همه مهمتر انسانیت والای خود عرضه بکند به خالق خود، فرشتگانی که به انسان سجده کردند و نیز به همه بندگان خدا.

یک ژن انسان اگر با یک دستگاه ترموسایکلر می تواند میلیونها بار تکثیر پیدا بکند چرا همه ژنهای او همزمان تولید انبوه و به منصه ظهور نرسد؟

اتفاقا در روشهای جدید مبتنی بر پی سی آر، به جای یک جفت آغازگر، از۷-۵ آغازگر استفاده می شود که نتیجه طبیعی آن تکثیر همزمان ۷-۵ ژن است. هم صرفه جوئی در وقت می شود و هم کارآئی کار چند برابر افزایش می یابد. از این روش بنام multiplex PCR یاد می شود که من در ادامه مطلب خواهم آورد معجزه نماز در قیاس با

این دستگاه ها در چیست؟ انسان بخواهد اوج بگیرد این عمر معین انسان کفایت می کند و اگر بخواهد به ضلالت برود در یک دقیقه هم امکان پذیر است.

- تازه رسیدم به اصل مطلب.
- پرسش: کار دستگاه بیرونی و درونی وجود انسان شبیه به دستگاه ترموسایکلر است؟ کدام عبادت به کارکرد آن نزدیک است؟

پاسخ پرسش اول شاید داشتن ژنهای پاک و شاید هم رحمت الهی و به احتمال قوی هر دو؟ اما نماد بیرونی آن بنظر می رسد عمل به فرضیه نماز (برپا داشتن نماز) باشد. طی نمازهای یومیه و انجام فرائض دیگر که به صدها هزار رکعت در طول عمر می رسد (۱۷ رکعت در هر روز از آغاز بلوغ) ژن ایمان تکثیر و محصول آن در اعماق وجودی انسان مومن هر بار بعد از هر نماز قابل لمس و ردیابی است.

- می شود ایمان او را به مردم نشان داد یا خود مردم او را با انگشت سبابه نشان بدهند. اما فرد مومن که نمی خواهد یک ژن خود را فعال بکند. آن موقع می شود انسان تک بعدی. او باید انسان جامع الشرایط باشد. پس باید آغازگرهای زیادی را طراحی و بکار بگیرد تا با اتصال و تکثیر غیرقابل وصف از فیوضات خدا نهایت استفاده را بکند.
- اینجاست که این پرسش پیش می آید که چه مقدار آغازگر نزد انسان است؟ که همزمان و اغلب به نوبت کار اتصال را انجام بدهند؟ به من باشد می گویم بی نهایت (تفاوت مهم دو روش مادی و معنوی). اما تک تک اذکار نماز از تکبیر گرفته (شاید تکبیر جایگاه ویژه و متفاوتی داشته باشد که در همه مراحل نماز چون هنگام برخاستن از رکوع و سجده و.. تکرار می شود و این نشان می دهد نقش آن برجسته و کارکردی متفاوت از آنچه در روش پی سی آر سراغ داریم دارد.
- آیا نقش تکبیر شبیه به ساخته شدن رشته DNA و پایان آن در هرچرخه تکثیرDNA الگو است؟ خالص کردن هر نسخه تکثیر شده است؟ و یا نه این مشخصه منحصر بفرد نماز است.
- آنچه مسلم است گفتن مرتب تکبیر، کار آنزیم تگ پلیمراز را انجام نمی دهد چون آنزیم از مرحله دوم وارد عمل می شود. در حالیکه تکبیر در انتهای هر ذکر می آید و تمام کننده هر ذکر است. جمله طولانی شد. جمله آخر را تکرار کنیم تک تک اذکار نماز از تکبیر گرفته تا حمد و سوره و رکوع وسجود و تشهد و سلام یا بعنوان آغازهای اختصاصی (خاص خدا و نبی) و عمومی (سلام های نماز) و یا ناشناخته (ذیلا خواهد آمد) عمل می کنند و یا عملکردی شبیه به نوکلئوتیدهایdNTP دارند و یا هر دو و یا هر چند مورد و موارد ناشناخته دیگر.
- اما ساختار، ماهیت و کارکرد نوکلئوتیدهایdNTP در روش پی سی آر چیست؟

اینها چهار باز سازنده اسید هسته یا DNA هرسلول زنده هستند و شامل چهار نوکلئوتید (dATP, dCTP, dGTP, dTTP) می شوند. چه در طبیعت و چه در روشهای مولکولی از آنها بعنوان واحدهای ساختمانی مورد نیاز در ساخت قطعه DNA استفاده می شود.

- اگر بفرض محال برای اذکار مختلف نماز نقش مجزائی قائل باشیم آن موقع با اطمینان بیشتر می شود گفت حمد و سوره که نسبت به دیگر اذکار نماز که آیات زیادی دارند نقش آغازگرهای اصلی را بازی می کنند و اذکاری با طول کوتاه و متوسط چون رکوع و سجود نقش آغازگرهای فرعی را بازی می کنند و تسبیحات اربعه نقش نوکلئوتیدهایdNTP را بازی می کنند. کار آنزیم تگ، ساختن رشته جدید بر اساس DNA الگو از طریق افزودن مرتب نوکلئوتیدهایdNTP است. قدرت آنزیم بی نهایت نیست.
- در هر مرحله از مراحل تکثیر از توان آن کاسته می شود. شاید به همین دلیل است که در سجده آخر بیشتر متوقف می شویم تا تگ پلیمراز از آخرین توان خود بیشترین بهره ها را ببرد. اتصال را کامل کند، محصول را بی عیب تولید کند و رنگ محصول را پر رنگ و شفاف.
- اتفاقا اثر سجده بر پیشانی مومن در این مرحله با پیش فرضی های قبلی نمایان تر می شود (مراجعه شود به مقاله خلقت زیبا. زمین زیبا. کعبه آمال زیبا. خالق زیبائی ها زیبا،۱۳۹۹ در همین سایت.



شکل ۶. امام علی (ع): اگر نمازگزار بداند که چه هاله ای از جلال خدا او را فرو می پوشاند، هرگز دوست ندارد که سر خود را از سجده اش بر دارد لَو یَعلَمُ المُصَلّی ما یَغشاهُ مِن جَلالِ اللّهِ ما سَرَّهُ أن یَرفَعَ رَأسَهُ مِن سُجودِهِ (هدایت، ۲۰۱۹).

- از حضرت علی (ع) باز نقل شده است ذکر حضرت ابراهیم (ع) در هنگام ساختن خانه خدا، تسبیحات اربعه بوده است. یا گفته اند سرّ چهارگانه بودن این تکبیرات چهار ضلعی بودن کعبه و بیت المعمور و عرش الهی است.

اما در اهمیت نوکلئوتیدها همین بس که اگر این مواد ژنتیکی پایه در آنالیز پی سی آر استفاده نمی شد محصولی تولید نمی شد. پس در نمازهای غیر از نماز صبح این اذکار بسیار تعیین کننده است اما کدام ذکر دقیقا کار این مواد

ژنتیکی را بازی می کنند والله اعلم. شاید همه اذکار و شاید بیش از همه ذکر تسبیحات اربعه. تفاوت عمده دیگر با دستگاه پی سی آر.

در واقع دو رکعت اول نماز که مبتنی بر حمد و اخلاص است، زمینه را برای گفتن ذکر تسبیحات اربعه فراهم می سازد. دو رکعت اولی که در همه نمازهای یومیه مشترک است، تکرار رکعت اول در رکعت دوم است. اما چرا تکرار؟ چون با یک رکعت اتصال کامل صورت نمی گیرد. در PCR یک آغازگر بخواهد به یک ژن بچسبد تا آن ژن را تکثیر کند به یک جفت آغازگر نیاز دارد: آغازگر فوروارد (پیشرو) و آغازگر ریورز (پسرو). اما در نماز ما نمی دانیم ماهیت این اتصال چگونه است؟ فقط می دانیم همه از یک سوی و به یک سوی یک نقطه و ناحیه لایزال است.

بر خلاف PCR از ۵ پریم به ۳ پریم و بر عکس نیست. پیشرو و پسرو ندارد. غرب و شرق ندارد. شمال و جنوب ندارد. یک موجود محدود و متناهی می خواهد به یک وجود نامحدود و لایتناهی متصل می شود. از هر جا اتصال حاصل بشود جذب کامل او می شود.

نماز این بستر را فراهم می کند که به ترتیب موالات باشد. هر ذکر و رکعتی با ذکر و رکعت های بعدی هارمونی داشته باشد. چون خدا ناظم است. کارش منظم است. مرتب است. منزه است. اساس نماز و زمینه اتصال و عروج انسان به سوی خداوند بزرگ مبتنی بر نظم و بر پایه این دو رکعت است. نماز بدون این دو رکعت نامفهوم است.

- علت اینکه نماز صبح هم صرفا بر پایه این دو رکعت است اصل بودن این دو رکعت و الویت نداشتن دیگر رکعت های را یادآوری می کند (البته سهولت بیدار شدن از خواب برای امر نماز هم قطعا مدنظر بوده است). بنابراین آورده ما در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی از رکعت سوم شروع می شود آنهم با صدای آهسته. در این رکعت های پر از رمز و راز ما نیازمند گفتن تسبیحات و کلمات قصار هستیم. این را روش پی سی آر بطور غیر من مستقیم به ما نشان می دهد.

در نماز مرحله اول روش پی سی آر که واسرشت است و طی آن دو رشته DNA از هم باز شود تا آغازگرها به یکی از رشته های آن بچسبند وجود خارجی ندارد. چرا که خداوند الله صمد است (تو پُر است)، لم یلد و لم یولد است (نه زاده می شود و نه زائیده). پس در نماز برخلاف روش پی سی آر، مرحله اول کلا حذف است. فرد نمازگزار پس از شنیدن اذان و گرفتن وضو، گفتن اذان و اقامه، ایستادن به سمت قبله با یک تکبیر به خدا متصل می شود (مرحله دوم روش پی سی آر).

تفاوت بسیار عمده دیگر این دو سیستم تولید محصول (نماز و دستگاه ترموسیکلر) در اینست که هر دو در هر موقع روز و شب می توانند کار کنند و تولید محصول بکنند. با این تفاوت که ساعت نماز یومیه ۲۴ ساعته نیست. در پنج نوبت مشخص شده است. از پیش از طلوع آفتاب است تا وقت پایانی عشا. قبل از اذان برای نماز

نافله و نمازهای فوت شده است. اذان، اعلام ساعت کار رسمی دستگاه عبادت از سوی خداست. یعنی گیرنده های پیغام ها فعال مایشا هستند. فرستندگان پیغام ها که انسان باشند بیدار شوند.

این ضوابط خاص نماز است. پس مرحله تکثیر و نسخه برداری برای هر دو سیستم مهیاست. منتها نماز اصلی در زمان معین، تولید محصول آن روز را می کند. اما در هر دو روش فرد باید از هر نوع آلودگی ذهنی، مالی، جانی و مکانی و حتی نداشتن ذره ائی از آثار غذا بر دهان پاک و مبرا باشد تا اتصال با موفقیت انجام و زمینه برای تولید محصول بهتر فراهم گردد. در نماز هر رکعت، یک چرخه محسوب می شود. چرخه های بلند محصولات بزرگتر می دهند.

برخلاف روش پی سی آر معمولی که تعداد چرخه ها ۴۰-۳۰ چرخه است و طول محصول تولیدی حداکثر ۳ کیلو باز است و حتی در مورد روش جدید ریل تایم پی سی آر (Real time PCR) که ذیلا به آن اشاره خواهد شد با آنکه از نظر تئوریک می شود محصول چندین برابر وزن زمین تولید کرد! اما در عمل چنین امری محقق نمی شود زیرا ظرفیت دستگاه و چاهک های آن محدود و از اینها مهمتر دروسط کار تکثیر دچار کمبود آغازگر، dNTPs و آنزیم پلیمراز کارآمد می شود).

اما در عبادات اولا تکثیرها در ۵ نوبت کامل می شود. در طول زندگی مکلفی کامل می شود. بین نوبت های نمازها کامل می شود. با زندگی روزانه کامل می شد. در همین دنیا کامل می شود. ثانیا، تکثیرها آسمانی و ارقام پاداش ها نجومی است (زمینی اش ۱ به ده، قرض الحسنه اش یک به هفتصد (بقره/۲۶۱) و رضایت خداوندگاریش الی ماشاالله است).

این تکثیرها و نسخه برداریها هرکدام در جای خود و در تشهد و سلام (مرحله بسط و گسترش)، نور ویژه خود را تولید می کنند (چون ژنها/پروتیئنهای نور عمل می کنند. توضیحات در مقاله دیگر). قرائت قرآن و ادعیه در وسط و یا آخر نماز و نیز دیگر عبادات چون زکات و روزه و حج و... بر شدت نور آن می افزایند اما هیچکدام جای نماز را نمی گیرند. زیرا که نماز نماز است. نماز ستون دین است.

- **نماز لوکس باکس (lux box) منحصر بفرد خود را دارد.**
- نور نماز، نماد اسلام و فرد مومن به محیط اطراف ساطع می شود تا همه از نور او بهره مند بشوند. فوت کند یا فوت کنند نور او خاموش نمی شود چون منشا آن جاودانی است. از این رو عمر مومن عالم با مرگ او پایان نمی پذیرد. باقیات صالحات او همیشگی است.

شاید در فرد دیگر و شاید در ذریه خود او. دعای حضرت ابراهیم در ذریه خود او بود (منطبق با مرحله سوم پی سی ار که کارش بسط است برای تکثیر ژن جدید و تولید محصول میلیونی آن). در آن صورت روزهای دنیا برای ما تمام می شود اما برای ذریه ما تمام نمی شود. شاید دروی محصول فرد مومن به فرد ۱۳ نسل او برسد! که برابر

است با یک روز خدا. اینست که موضوع با این استدلال خام قابل فهم می شود که یک روز خدا عملا برابری می کند با هزار سال مجموع عمر فرد مومن، اولاد او و اذناب او.

- **برعکس آن هم صادق است. مجازات های خدا برای فرد فاسد و فاجر دامنه دار و سلسله وار است. حتی اگر فرد فاسد بظاهر بی مجازات از دنیا رفته باشد. زیرا مجازات او ثبت شده است. برای خدا فرد متوفی و زنده بی معنی است. برای خدا روند حیات مطرح است تا یک مقطع خاص زندگی. هیچ حادثه ائی اتفاقی نیست. همه چیز مهندسی شده است. حیات یک فرد از قبل از تولد او شروع می شود. در تولد به منصه ظهور می رسد. با فوت فرد، دوره پنهان زندگی شروع می شود و در روز معاد تازه تسویه حسابهای ریز به ریز شروع می شود. لذا فرد فاسد آثار جرم و جنایت خود را در نسل بعد از خود خواهد دید و با هر بار دیدن، زجرهائی را متحمل خواهد شد که نظیرش را در زمین ندیده بود و در هر بار به خود خواهد گفت صد رحمت به مجازاتهای زمینی! کاش نمی مردم و این مجازاتهای زیرخاکی را نمی دیدم. پس نگوئیم فرد مرد و راحت شد. بگوئیم وای به حال او پس از مرگ.**
- با این استدلال که البته چوبین است زیرا که رمزگشائی از آن ناممکن است.
- به این پرسش می رسیم کار دستگاه ترموسایکلر تکثیر هر ژن از بد و خوب است. حالا که این دستگاه با کارکرد نماز مقایسه می شود آیا نماز ژن بد را هم تکثیر می کند؟

پاسخ منفی است.

زیرا ترتیب توالی های آغازگرهای نماز که همان اذکار باشند بر پایه ستایش خدا (حمد و سوره و تسبیحات اربعه و...)، شهادت برای خدا و رسول او (تشهد) و سلام بر انبیا و صالحین و..(سلامهای آخر نماز) استوار است. اتفاقا برای اینکه این امر ضد نور و ضد تعالی اتفاق نیفتاد ذکر"صِرَاطَ الَّذِينَ أَنعَمتَ عَلَيهِمْ غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ "– راه کسانی که به آنان نعمت داده ای و نه راه کسانی که به آنان غضب کرده ای و یا گمراهند در سوره حمد در نظر گرفته شده است که راه بیان و تکثیر هرگونه ژن های پلید را مانع شود (خاموشی ژن) و فیض خدا را بر بندگان کامل و ضمانت کند (تفاوت مهم دیگر این دو روش).

راه دیگری که برای حصول اطمینان در نظر گرفته شده است رو به قبله ایستادن نمازگزار است که نور را و اتصال را مستقیم دریافت می کند (تفاوت دیگر با دستگاه های که در هر جهت قرار داده شوند کار تکثیر را انجام می دهند.

- سئوال: آیا فرد نمازگزار چون دستگاه ترموسایکلر پی سی آر می تواند بدون وقفه به کار خود ادامه بدهد و باصطلاح دائم الصلوة باشد؟

پاسخ ابدا.

- کار مهم نمازگزار واقعی، اقامه نماز و پیاده کردن اهداف نماز در جامعه است. تامین روزی اعضای خانواده و ارتقای کمی و کیفی جامعه. همان دستوری که پیامبر گرامی به یکی از این افراد داد (تفاوت مهم دیگر). برخلاف کار دستگاه ترموسایکلر پی سی آر که در ۳-۲ ساعت به اتمام می رسد کار نمازهای یومیه با خواندن ۱۷رکعت نماز در هر روز شروع و در طول شبانه روز کامل می شود.

باید توجه داشت یکی در میان خواندن نمازها موجب نرسیدن به حد نصاب سیگنالها برای تولید نور کافی است. همچنانکه غفلت در رکعت ها در حین خواندن نماز موجب بیان ضعیف پروتئینهای نور می شود.

خوشبختانه عبادات برای طول عمر فرد معتقد پیش بینی شده است و اتفاقا اواخر عمر نمود بیشتری پیدا می کند و در رفتار و سکنات فرد مومن به سهولت قابل ردیابی است. عبادت (خواندن نماز، قرائت قرآن، گفتن ذکر و فکر کردن) بیشتر از این واگذار شده است به نیمه های شب. برای شخص پیامبر (ص) نیمی از شب یا کمتر (سوره مزمل) و برای ما هر مقدار که ایمان یاری کند.

- پرسش مشابه دیگر: به فردی که با دستگاه ترموسایکلر پی سی آر کار می کند عموما توصیه می شود وقتی کارش با دستگاه تمام شد آن را خاموش کند و محصول تکثیر شده در میکروتیوب ها را داخل فریزر نگهداری کند تا سر فرصت محصول تکثیر شده روی ژل رانده و رنگ آمیزی بشود. آیا این در مورد نماز هم صدق می کند؟

پاسخ تا اندازه ای منفی است. نگهداری و نگارش اعمال با فرشتگان است.

- محصول نماز اگر درست باشد خراب نشدنی است، خاموش شدنی نیست، به نام دیگری ثبت نمی شود، با نماز دیگری مخلوط و اشتباه گرفته نمی شود، پویاست، زنده است، موجود است، انرژی زاست، تحرک ایجاد می کند، منشا خیر است. چه بسا محصول پی سی آر هم درجای خود و برای تشخیص سریع و دقیق انواع بیماریها منشا خیر است.
- پرسش دیگر: آیا در نماز، داشتن حضور قلب ضروری است؟ چون برای دستگاه ترموسایکلر پی سی آر نیازی به ایستادن در بالای سر دستگاه نیست و طبق برنامه تعریف شده عمل می کند.
- پاسخ: برای نماز حضور قلب حرف اول و آخر را می زند. چرا که فرد نمازگزار آرزو دارد محصول عبادت خود را با چشم خود مشاهده و پاداش آن را نقدا دریافت کند. دیدن آن زیاد سخت نیست. چند قطره اشک درگوشه چشم حکایت از تولید محصول فی الفور است.

۲. روش جدید تکثیر ژن ها با استفاده از دستگاههای ریل تایم پی سی آر (Real time PCR):

- **اما اگر نمازگزار تمایل داشت روند تکثیر و بیان ژن ایمان و پذیرش نماز خود را لحظه به لحظه به صورت کمی مشاهده بکند و نور نماز را بلافاصله رویت و بر روند افزایش آن نظارت کند** لازمست به سراغ

ترموسایکلرهای جدید با عملکردهای پویا، مانا، دقیق و کلان چون ریل تایم پی سی آر (Real time PCR) برود که دقت آنها در نشان دادن لحظه به لحظه محصول تولید شده بی نظیر است.

زیرا در روش ریل تایم پی سی آر از یک نشانگر فلورسنت استفاده می شود که میزان تکثیر محصول را در یک زمان کوتاه و بیان ژن مورد نظر را ردیابی می کند. این نشانگرهای فلورسنت به گونه ای طراحی شده اند که در صورت تکثیر DNA، با اتصال آن ها به DNA نور تولید کنند. بنابراین نور بیشتر برابر است با تکثیر محصول و افزایش شدت نور ثبت شده در دستگاه با میزان محصول بدست آمده نسبت مستقیم دارد.

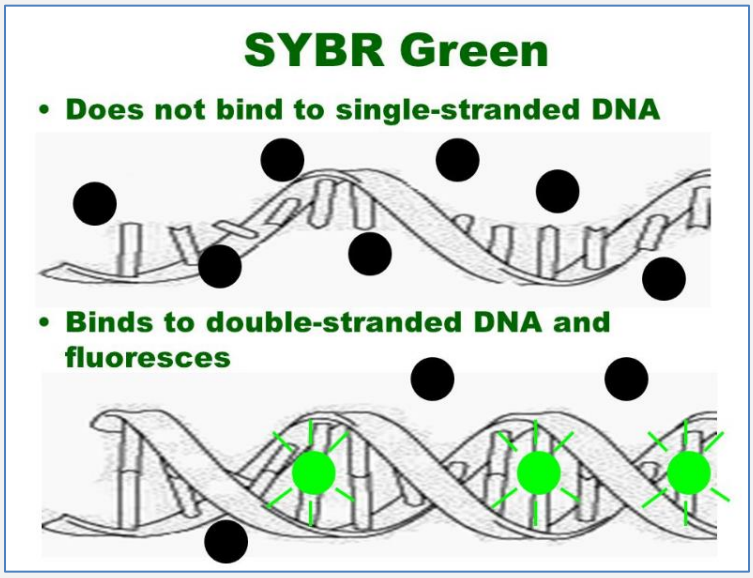

شکل ۷. در این روش از رنگ های متصل شوند به DNA دو رشته ای، به عنوان گزارشگر فلورسنت برای مشاهده واکنش PCR استفاده می شود. این دو رنگ به شکاف کوچک مارپیچ دو رشته ای DNA باند می شود و سبب ایجاد نور فلورسنت می گردند، اما رنگ هایی که به رشته DNA باند نشده اند فلورسنت خیلی کمی را نشان می دهند (آموزش تخصصی علم بیوانفورماتیک).

ممکنست مقدمات کار با این دستگاه ها بیشتر و هزینه های مترتبه قدری گران تر باشد اما جنس محصول بدست آمده فوق العاده با ارزش و غیر قابل قیاس با روشهای قدیم است.

- محصول بدست آمده طبق انتظار درجه ۱ است، اختصاصی اختصاصی است، آنچه می خواستیم هست. از آنجائیکه آغازگرهای مورد استفاده در این روش حاوی رنگ فلورسانت هستند و این رنگها در رنگ آمیزی اسیدهای هسته (DNA/RNA) کاربرد دارند به کمک ترموسایکلرها مجهز به دوربین حساس به رنگ فلورسانت (غالبا اشعه لیزر) از همان ابتدای تکثیر ژن/ژنها، محصول بدست آمده از تکثیر "یک یا چند ژن" حتی به مقدار ناچیز (اولین چرخه تکثیر ژن برابر با اولین رکعت نماز) بدون اینکه نیاز به انجام الکتروفورز و مشاهده محصول روی ژل باشد،

به صورت پیک هائی (peaks) با رنگهای متفاوت قابل رویت می باشند. هر پیک نمایانگر نقطه ذوب واکنش یک ژن مشخص در یک واحد دمائی مشخص است. پیک های جانبی، پیک های اصلی محسوب نمی شوند.

- مزایای دیگر این روش، تکثیر نسخه های بیشتر ژن موردنظر و تولید محصول بیشتر به مراتب بیش از آنچه در مورد ترموسایکلرهای عادی قدیمی (normal PCR) انتظار می رود می باشد. حدی اگر از بعد محدودیت دستگاه، چاهک، آنزیم پلیمراز، آغازگر، dNTPs و غیره نباشد که هست این تکثیرها می تواند بی نهایت و محصول تولیدی در وزن چندین سیاره باشد. اما بدلیل محدویت های فوق، تکثیر و تولید محصول از یک یا چند ژن، محدود به مواردی می شود که تاکنون گزارش شده است. در روش های جدید تکثیر ژن ارتباط مستقیمی بین شدت نور با میزان محصول وجود دارد بطوریکه هرچه محصول بیشتر تولید بشود شدت نور فلورسانت بیشتر خواهد بود.
- کار و دقت عمل این دستگاه های جدید خیلی شبیه به عبادات و نماز انبیا و اولیا دارد.
- وقتی خداوند متعال به پیامبر اسلام در همان ابتدای سوره مزمل می فرماید "دو سوم، نصف و یا یک سوم شب را بیدار باش و قرآن را شمرده شمرده بخوان". از خدا چه پنهان که اکثر ما نمازگزاران به این مراتب عبادی نه سفارش شده ایم و نه به آن دست خواهیم یافت. کار ما تقلید کار دستگاه ترموسایکلر پی سی آر است! تا نماز را شروع می کنیم نماز کار خودش را می کند و نمازگزار فکر خودش را!! اینست که بعضا مردد می شویم رکعت و رکوع فلان را خوانده ایم یا نه؟!
- سئوال: از آنجائیکه در روشهای ارتقا یافته ریل تایم پی سی آر (Modified Real time PCR)، این امکان فراهم شده است که طی یک واکنش چند ژن مورد نظر همزمان ردیابی و شناسائی شود. با این فرض آیا امکان دارد طی یک نماز، همزمان چند صفت متعالی در انسان مومن بروز و ظهور پیدا بکند؟

پاسخ مثبت است. انسان نمازگزار مومن با هر نماز خالصانه خود صدها صفت متعالی را در وجود خود فعال و پرورش می دهد بطوریکه همه جا را محضر خدا می بیند و فکر خطا هم برای او گناه کبیره محسوب می شود!! وقتی همه رگ های معرفتی انسان فعال و روشن شد جائی بر خطا باقی نمی گذارد.

- سئوال: صفات متقین و مومنون به صورت انفرادی قابل حصول هستند و یا به جماعت؟

پاسخ هر دو.

خدا نیآورد آن روزی را که یک فرد مومن برای خودش مومن باشد. برای دل خودش نماز بگزارد (نمازهای دل را باید در نیمه های شب خواند– نماز شب)، تمام عمر نمازهای خود را فرادی بخواند.

نماز در مساجد حتی اگر امام جماعت هم نباشد و هرکس نماز خود را فرادی بخواند همه از نماز هم و از ثواب نماز هم متنفع می شوند و اگر به جماعت باشد پاداش بی نهایت دارد، به تعداد جمعیت نمازگزاران نور دارد ، به تعداد مخلصین له الدین جمع حضور دارد. چند صد برابر ثواب برکات دارد.

دلیلش با این نظری که من دادم مشخص است.

فکرش را بکنید در یک جائی مقدس ده ها و صدها دستگاه پی سی آر ریل تایم و دستگاه های مشابه و مدرن دیگر متصل به هم باشند (نمازگزاران). همه آغازگرها (پرایمرها) شروع به اتصال و تکثیر ژنهای مربوط به نماز را که بصورت ذکر و دعا و حمد و سوره و...است بکنند و وقت هم، وقت اول نماز باشد، تنها انتظاری که از این مجموعه می رود تولید نور و پاکی و اخلاص و زدودن همه مصیبت های روزمره دنیای ماشین است. اندازه محصولی که این تکثیر انجام می دهد بزرگتر از آنست که در مخیله بنی بشرخطور بکند. این محصول نه بر حسب جفت باز که تن باز است! اگر پیک تولید کند یا باند غیر قابل وصف است.

- کمترین اثر این نماز بر نمازگزاران، رویت اثر سجده بر پیشانی و هم بر زانوها است (تفاوت دیگر نماز با پی سی آر). معلوم است محصول این تکثیر محدود به یک نماز و دو روزه و یک حج نمی شود باید مرتب تکثیر در قالب های مختلف انجام بشود، هر تولیدی بصورت اتومات بازتولید محصول جدیدتری بدهد (خاص نماز) و هر روز فرد خود را مومن تر و قریب تر به خدا خود را ببیند (خاص نماز).
- به این مرحله که رسید حج بر او واجب می شود (تمکن فکری و روحی) تا تمام وجود خود را به دیوار کعبه بساید، تا همه وجود او با اتصال به منبع نور تکثیر و تولید نور انبوه بکند. به کشور خود که برگردد دیگر راحتی نخواهد داشت، باز دوست دارد مزه نور را بچشد. پس هر نفس مومن، میلیاردها تومان ارزش دارد. باید شکر آن را هم خود بجای آورد و هم دیگران تا از او حرکت باشد و از خدا برکت. از او خدمت باشد و از خدا ضبط خدمت. نور خدا و انرژی خدا که منبع و منشا حیات است تمام شدنی نیست. از جنس نور است و ما فقط با عبادات و رفتارهای نیک خود آغازگرهای خود را با اتصال با تعالیهای خدا تکثیر انبوه می کنیم (ادعونی استجب لکم- بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را).
- در حالیکه می دانیم و یقین داریم اتصال انبیا به منبع وحی از طریق خط ویژه و توسط یک آغازگر ویژه می باشد (تفاوت مهم مهم دیگر).

طبیعی است محصول آن هم متفاوت از بقیه ابنای بشر است. درست است که مثل ما در کوچه و بازار راه می رود، غذا می خورد و (سوره ۷ فرقان) اما کلامش و هدف خلقتش و النهایه پیامش متفاوت است.

در آیه ۶۳ سوره نور (معلوم می شود چرا آیات سوره نور، نور مطلق هستند و به کل آیات نور ویژه می اندازند) خداوند رحمان و رحیم می فرماید: لَاتَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا یعنی دعاهای پیامبر را مثل

دعاهای خود نپندارید. این دعاها نشاندار شده است، خاموش نشدنی است، متصل به منبع فیض است، اعجاز آور است.

اتفاقا یک جائی می خواندم یکسالی در مدینه یا مکه باران نیآمد سراغ خانم عایشه رفتند. گفت بروید دریچه گنبد سبز رسول الله را باز کنید. باز کردند باران آمد. پس اگر اصرار داریم دعاهای ما هم مستجاب بشود چه بهتر متوسل به حضرت ایشان و آل ایشان بشویم. آن موقع چاشنی دعای ما می شود دعای نبی و آل نبی. این دعاها نشان دار هستند.

درست به مانند یک روش مولکولی دیگر که به نام پی سی آر آشیانه ای (nested PCR) است. در این روش به جای استفاده از یک جفت آغازگر از دو جفت آغازگر استفاده می شود. منتها نه به صورت استفاده همزمان بلکه بعد از اتمام کار جفت آغازگر اول.

چرا این روش دو مرحله ائی است؟

چون ابتدا سعی می شود جفت آغازگر اول که بنام آغازگرهای بیرونی معروف هستند به توالیهای قسمت بیرونی (نزدیک ترین محل به ژن هدف) ژن مورد نظر متصل بشوند و شروع به تکثیر آن ناحیه بکنند. به محض اینکه محصول اول بقدر کافی تکثیر یافت مرحله بعدی با افزودن جفت آغازگر دوم (آغازگرهای درونی) به محصول فوق (محصول آغازگر اول) شروع می شود. طی این مرحله تکثیر نواحی داخلی ژن نیز تکثیر می یابد.

مزیت این کار دو مرحله ائی به اینست که چون احتمال داده می شود که جفت آغازگر اول، علاوه بر اتصال به ژن موردنظر، به توالیهای ناخواسته در مجاورت آن ژن هم متصل بشود. با دو مرحله کردن عمل تکثیر، جفت آغازگر دوم این بار به محصول اول و قسمت درونی ژن هدف می چسبد (و نه به کل ژن). لذا خطای اتصال به توالیهای ناخواسته اطراف ژن هدف تقریبا به صفر می رسد و محصولی که از این روش بدست می آید تکثیر ویژه یک ناحیه خاص ژنی (دعای) مورد درخواست و نظر است ولاغیر.

اگر بفرض محصول تکثیر شده اول توسط جفت آغازگر اول منجر به تشکیل چند باند مختلف با اندازه های مختلف و بزرگتر شد (تشکیل باندهای متعدد و بزرگ نشانگر تکثیر نواحی مورد نظر و ناخواسته است)، در محصول دوم که با استفاده از جفت آغازگر دوم بدست می آید یک باند خاص با اندازه کوچک تشکیل می شود که نشانگر عدم خطای سیستم و تکثیر ژن موردنظر است.

حساسیت این روش در تکثیر ژن موردنظر ۱۰۰۰ برابر بیش از روش پی سی آر معمولی است که در آن از یک جفت آغازگر استفاده می شود. پس چنانچه می خواهیم دعای ما هم از همان ظرافت و حساسیت برخوردار باشد چه بهتر که دعای خود را متصل (متوسل شدن) به دعای پیامبر که مقرب ترین انسانها به خداوند است بکنیم تا با اتصال "دعای ما+دعای پیامبر" و رفتن ترکیب این دو دعا به درگاه خدا (داخلی ترین بخش حرم جائی که فقط

دعای پیامبر در آن ورود و نفوذ دارد) اجابت دعای ما به برکت نفس مطمئنه ایشان از هر ناخالصی پاک و به ضمان دعای ایشان دعای ترکیبی ما هم مورد پذیرش درگاه خداوند قرار بگیرد.

- پرسش: غیر از آغازگر ویژه انبیا آیا آغازگر دیگری هم در نماز برای تکثیر یک یا چند صفت وجود دارد؟

پاسخ باز مثبت است.

- وقتی ما به سلام سوم می رسیم سلام را به همگان می دهیم بدون اینکه بدانیم ایشان کیستند. پس در نماز، غیر از آغازگر وحی، آغازگر دیگری هم هست که باز برای دستگاه های پی سی آر تعریف نشده است (آغازگرهای ناشناخته).
- موضوع دیگر: با توجه به همخوانی ردیف توالیهای انسان با معدود تعالیهای خداوند آیا می شود قرآن و نماز را به غیر از عربی خواند؟ یا نه بهتر نیست دعا به هر زبانی که زبان مادری اوست بر زبان رانده شود؟
- در دستگاه متعالی نماز، دستگاه ترموسیکلر فقط توالیهای که به زبان عربی است تکثیر می دهد. ده ها بار قرآن به فارسی یا هر زبانی خوانده شود بی بهره از ثواب نخواهد بود آن هم ثواب فهم معانی قرآن به زبان مادری. اما توالی زبانهای زمینی با توالی های آسمانی متفاوت است. هزار بار شعر حافظ ترجمه بشود. شعر حافظ نمی شود حتی اگر خود حافظ آن را ترجمه کرده باشد.
- توالی ژنی داستان عجیبی است. ترتیب بازها در آن کاملا سنجیده شده است. یک باز از صدها هزار باز آن تغییر بکند موجود دچار جهش ناخواسته می شود. رنگ موی او عوض می شود، دچار بیماری مزمن می شود، دچار عارضه های مختلف می شود. اینست که فرد با خواندن نماز و قرآن به عربی زبان خود را همزبان پیامبر خود می کند و چون آن حضرت خود مسلط به دو زبان جبرئیل و عربی است. با همزبانی با پیامبر خود را غیر مستقیم به زبان جبرئیل نزدیک تر می کند.
- لذا همچنانکه کسی حق ندارد زبان دین خود را تغییر بدهد روا نیست همه دعاهای خود را به عربی بخواند (دعا به زبان مادری زبان مستقیم هر فرد با خدای خود است. زبان غیر رسمی مورد پذیرش خدا) از این روست که بزرگان ترکیب این دو را در دعاهای خود بکار می گیرند. تا اگر نافذ است نافذتر باشد (مراجعه شود به مقاله تکمله مقاله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است،۱۳۹۵ در همین سایت).
- و بالاخره به اینجا که رسیدم ماندم تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) که شامل ۳۴ بار الله اکبر،۳ بار الحمدلله،۳۳ بار سبحان الله است چگونه توجیه کنم که در شان آن مقام والا و بی همتا باشد. اصل و اصیل باشد. کسی از ذکر آن ها غافل نباشد.
- تسبیحاتی که اهل تشیع و غالب اهل تسنن بر آن تصریح و تاکید دارند. حقیقتش جنس و ساختار آن دقیقا شبیه به دیگر اذکار نماز است. در واقع تکرار سه ذکر از ۴ ذکر تسبیحات اربعه است (سبحان الله والحمد و لااله الا الله و الله اکبر). بی هیچ دلیلی حس می کنم که نور تسبیحات حضرت زهرا (ع) جزو نورهای سبز خداوندی است که با

نورهای دیگر رنگ رنگین کمان می سازد (مراجعه شود به مقاله نماز جعبه نور (Lux light box) نماد اسلام در همین سایت).

اگر این حس و درک من درست باشد آن موقع بدون نیاز به متوسل شدن به هیچ توجیهی، جایگاه خاص تسبیحات آن حضرت با بیان زیر تعریف خواهد شد. در یک کلمه اگر بدون استفاده از رنگ (اتیدیوم بروماید در دستگاه پی سی آر قدیم (normal PCR) و رنگ فلورسانت در دستگاه جدید پی سی آر (real time PCR) محصول تکثیر شده قابل رویت نیستند پس کارکرد تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) نمایان ساختن محصول تولید شده در هر دو دستگاه قدیم و جدید پی سی آر و یا هر روش مشابه دیگر است و چه نقش بهتر و جایگاه برتر از این برای این تسبیحات.

شاید هم نقش تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع)، مرور سریع (اسکن) و بلکه تکرار اذکار هر نوبت نماز و تصحیح غفلت های نماز با انداختن نور رنگ سبز بر اذکار بر زبان رانده شده است! شاید هم تحکیم جایگاه نمازگزار از طریق تاباندن نور ویژه است! شاید هم انتقال نور نمازگزار در عالم کون و مکان است!

- و شاید هم برداشت جدید من از تسبیح و تسبیحات مطالب مندرج در مقاله "بلاست (BLAST) نرم افزاری برای تداعی نحوه سنجش اعمال در روز قیامت،۱۳۹۶"در همین سایت باشد. و شاید هم این فکر جدیدتر که کار نماز، تکثیر نفس عمل و اخلاص عمل است که اگر صادقانه، هوشیارنه و مومنانه باشد منجر به تولید یک یا چند باند شفاف، باریک و قوی (sharp) می شود. برای تفسیر این باند (ها) نیاز به توالی یابی (sequencing)است که این کار را تسبیحات اربعه در حین نماز و تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) پس از پایان نماز انجام می دهند.
- هرچه که باشد و هر کارکردی که داشته باشد مانوس تر از این سخن گوهربار امام باقر (ع) سخن نیست که فرمود "خدای تعالی با چیزی بهتر از تسبیح حضرت زهرا تمجید و عبادت نشده است زیرا اگر بهتر از آن چیزی بود، رسول خدا آن را به فاطمه علیه اسلام می‌آموخت".
- **اگر همه و یا هیچکدام از مستندات و ادراکات من قابل پذیرش نباشد ابائی نیست. زیرا تابع علم ناپایدار روز است، قیاس مع الفارق است.** اما آیا بهتر نیست به دین و ایمان خود ژرفنای بیشتری بدهیم و نگذاریم تعدادی جاهل مسلمان نما به خود جرات دهند با حکم شرعی! و با صدای بلند و با خواندن آیه ائی از آیات قرآن وارد مساجد مسلمانان شیعه و سنی بشوند و هنگامیکه مردم مسلمان (و دیگر پیروان ادیان) نمازگزار و بعضا روزه دار در اتصال کامل با خدای خود هستند و تولید نور ماورائی می کنند ایشان را غریق خون مطهر خود کنند.

ذیلا تابلوی با نمای نزدیک (close-up) زیر، شناخت فرد مسلمان از مومن، از نصف مومن تا تمام مومن که قرآن تصویر کرده است را ارائه می دهد (مراجعه شود به مقاله ایمان به خدا: تنها بیوکد و بارکد هویتی انسان در نزد خدا، ۱۴۰۳ در همین سایت).

- تمام صفات مندرج در قرآن در جدول زیر قابل جمع است. این صفات می تواند در مورد همه افراد بنی بشر و بویژه افراد معتقد به ادیان توحیدی و دارنده فرامین الهی صادق باشد:

ردیف	صفات فرد کافر/مشرک/منافق/و..	صفات فرد مسلمان	صفات فرد نیمه مومن	صفات فرد تمام مومن (بنده رحمان)
۱	پرهیز یا تظاهر به گفتن شهادتین	اظهار لفظی/ تقلیدی شهادتین	اظهار و تقید به شهادتین	اظهار خالصانه شهادتین
۲	انکار خدا و پیامبر و همه آیات قرآن به اشکال مختلف	پذیرش بعضی از آیات قرآن به صورت گزینشی	پذیرش نصف یا بیشتر آیات قرآن	تسلیم در برابر ۶۲۳۶ آیه قرآن
۳	بی اعتقادی و بداعتقادی به آیات قرآن و عمل به آن	عمل به چند آیه (مسلمانان چند آیه ائی) برای حفظ عنوان خلیفهٔ الهی	عمل به بیشتر آیات (مومن و مخلص به بیشتر آیات) برای نزدیک شدن به مقام نیمه آیت اللهی	ذوب در همه آیات قرآن (مصداق مخلص له الدین) برای تبدیل شدن به مظهر کامل آیت اللهی
۴	داشتن صفات خوب و بد خارج از حوزه دین	داشتن صفات خوب و بد در حوزه دین و غیر آن	داشتن صفات خوب با ضریب خطای جزئی در قالب دین اسلام	داشتن صفات خوب بدون هیچ خطائی در قالب دین اسلام
۵	کل صفات خوب: چند صفت ذاتی خوب بخاطر مرام انسان جوئی	کل صفات خوب: چند صفت ذاتی خوب بخاطر مرام خداجوئی	کل صفات خوب: صدها صفت ذاتی خوب بخاطر مرام خداجوئی آگاهانه	کل صفات خوب: همه صفت ذاتی خوب بخاطر مرام خداجوئی عاشقانه
۶	تعداد صفات کلیدی خوب در فرد مورد نظر: نامشخص	تعداد صفات کلیدی خوب در فرد مورد نظر: محدود	تعداد صفات کلیدی خوب در فرد مورد نظر: کمتر از ۱۸ صفت مندرج در سوره مومنون و حجرات	صفات کلیدی خوب در فرد مورد نظر: همه صفات ممکنه مندرج در همه سور قرآن
۷	نصیب او در دنیا: نفاق، عناد، شرک، تعصب، گمراهی، عوام فریبی، شرم، تبلیغ سوء و..	نصیب او در دنیا: نفاق، شرک مخفی، تعصب، گمراهی، خدمت محدود، دنباله روی کورکورانه، شرم و..	نصیب او در دنیا: آگاهی، رضا، فضل مندی*، مغفرت و اجر کبیر**، نام نیکو***،حس مددکاری، تعاون، خدمت به همنوع، و..	نصیب او در دنیا: آگاهی، رضا، فداکاری، جانثاری، ذوب شدن، منتظر بودن، الگو بودن، مصلح بودن، و..
۸	نصیب او در قیامت: نامعلوم تا جهنم	نصیب او در قیامت: معلوم و نامعلوم. ملتمس دعا هم در این دنیا و هم آخرت!	نصیب او در قیامت: بهشت	نصیب او در قیامت: بهشت خدا

		(ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالمین)		

*وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا- و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا فضل و بخشایشی فراوان خواهد بود (احزاب/۴۷).

**الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ- کسانی که کفر ورزیده اند عذابی سخت خواهند داشت و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است (فاطر/۷).

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ- و برای او (یاسین) در میان آیندگان نام نیک به جای گذاشتیم زیرا از مومنین بود (صافات/۱۲۹ و ۱۳۱).

هر که گفت من مومنم

مومن که نیست

مومنات از مومن است

امهات از مومن است

مومن هم یک مومن است

مجتبی هست مومن است

شور حال است مومن است

از حیا او مومن است

در بلا او مومن است

جنگ سخت است مومن است

جنگ نرم است مومن است

از قدیم هم مومن است

مادرش هم مومن است

خواهرش هم مومن است

اسم فامیل مومن است

اصل کاری مومن است

دار قرآن مومن است

مال دنیا مومن است

با رشادت مومن است

با شهامت مومن است

حق بگوید مومن است

خون نغلطد مومن است

حس خوبی است هر که دیدم مومن است

نصف عمر (half-life) هم مومن است

کل عمر (whole life) هم مومن است

در بلایا مومن است

در دعاها مومن است

در سفارت مومن است

در امارت مومن است

نام افغان هم نبردم مومن است (مرداد۱۴۰۰، دوباره افغانستان بدست طالبان افتاده است)

نام ایران مومن است

از عراق تا شام، مردمان اند، مومن اند

جنگ سختی دیده اند از مردمانِ مومن اند

در یمن حوثی خدا دارد خدا با مومن است

در نجف مرد بزرگی دیده ام او مومن است (آیت الله سیستانی)

رادمرد عالم امکان اگر گفتند علیست او مومن است

با علی هر کس نشست او مومن است

از زنان اول خدیجه مومن است

فاطمه، جانم فدایش مومن است

عباس از برادر مومن است

زینب، زندگیست زندگان را مومن است

دست گیرد برد آنجا که مردان مومن اند

آنجا که زنها مومن اند

آنجا که افلاک مومن اند

هر علی یک مومن است

از امامت مومن است

از زیارت مومن است

سیدسالار ما از نینوا تا کربلا او مومن است

خون او در آسمان است مومن است

خون او در ساز و کار است مومن است

غرب عالم مومن است

شرق عالم مومن است

در ژاپن دیدم که مردم مومن اند (مراسم سینه زنی و سوگواری سالار شهیدان در خیابانی در ژاپن که شهریور ۱۴۰۰ رویت شد)

"یاحسین" گویند حسین هم مومن است

با وضو است مومن است

در رکوع است مومن است

در سجود است مومن است

شهر ایران شهر دنیا مومن است

در محرم مومن است

ماه قرآن مومن است

بعد از این از غرب به ما گویند که شرق هم مومن است

غربیان بیشتر بدانند فرد شرقی مومن است

شرح زینب مومن است (مراجعه شود به مقاله مردم زینب زیارت نامه ندارد و تماشای ویدئو پیوست در همین سایت).

شهر زینب مومن است

جا ندارد جای دیگر مومن است

حال ما دیگر مپرس از جان جانان مومن است

حتما خبری هست

(تاریخ نشر۱۴۰۱/۸/۲۶)

مردم بدانند حتما خبری هست

از بوی خوشش بوی کسی هست

در راه شبی رمز شبی هست

مشروح زمین شرح کسی هست

مردن نبود مرد و زنی هست

تا روز خدا روز و شبی هست

افسانه مگو فرق سری هست

بر تاک زمین تاج سری هست

افسوس مخور بیم سری هست

الماس و طلا بار کمی هست

همسان عروس نیمه شبی هست

یک پرسش از اوست او چه خری هست

دستش ندهی دردسری هست

دور ماندن او موج کمی هست

دست خوش که جهان جام جمی هست

در آب زلال عکس کسی هست

از زاده تو زاد سری هست

در تکثیر تو هم حرف ژنی هست

گینتس نویسد که رکورد کار کسی هست